

واکاوی سازه‌های تأثیرگذار بر بهبود مشارکت زنان روستایی در ارتقاء امنیت غذایی خانوار

حسین شعبانعلی فمی^{۱*}، فاطمه جعفری^۲، مسلم سواری^۳، محمد شوکتی آملانی^۴، مهسا معتقد^۵
معتقد^۵

چکیده

این پژوهش با هدف کلی بررسی سازه‌های تأثیرگذار بر بهبود مشارکت زنان روستایی در ارتقاء امنیت غذایی خانوار انجام شد. جامعه آماری پژوهش شامل کلیه زنان روستایی در شهرستان طارم علیا بود (N=۱۰۷۹۶). با استفاده از جدول نمونه‌گیری کرجسی و مورگان ۳۹۸ نفر با روش نمونه‌گیری طبقه‌ای با انتساب متناسب انتخاب شدند. ابزار اصلی پژوهش پرسش‌نامه‌ای بود که روایی آن از سوی جمعی از متخصصان امنیت غذایی و اعضای هیئت‌علمی گروه مدیریت و توسعه کشاورزی دانشگاه تهران و پایایی آن از سوی ضریب آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی تأیید شد. تجزیه و تحلیل داده‌ها در دو بخش آمار توصیفی و استنباطی با استفاده از نرم‌افزارهای SPSS^{win18} و Lisrel^{8.54} انجام شد. نتایج پژوهش نشان‌دهنده وضعیت نامناسب امنیت غذایی و مشارکت پایین زنان روستایی در ارتقاء امنیت غذایی بود. نتایج تحلیل همبستگی نشان داد که سازه‌های اقتصادی، اجتماعی و روان‌شناختی رابطه مثبت و معناداری با بهبود مشارکت زنان در ارتقاء امنیت غذایی دارد. علاوه بر این، نتایج مدل‌سازی معادلات ساختاری پژوهش نشان داد که سازه‌های اقتصادی، اجتماعی و روان‌شناختی، با ضریب تبیین ۸۱ درصد ($\gamma=0/99$ ، $t=7/92$) اثر مثبت و معناداری بر بهبود مشارکت زنان روستایی در ارتقاء امنیت غذایی خانوار دارد.

کلیدواژگان

امنیت غذایی، نامنی غذایی، بهبود مشارکت، زنان روستایی.

۱. استاد گروه مدیریت و توسعه کشاورزی دانشگاه تهران (نویسنده مسئول) hfami@ut.ac.ir
 ۲. دانشجوی دکتری توسعه کشاورزی دانشگاه تبریز fatima.aria@gmail.com
 ۳. استادیار گروه ترویج و آموزش کشاورزی، دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی خوزستان، ملاتانی savari@asnruk.ac.ir
 ۴. دانش‌آموخته دکتری توسعه کشاورزی، دانشگاه تهران mohammad_amegan@ut.ac.ir
 ۵. دانشجوی دکتری توسعه کشاورزی دانشگاه تهران mahsamotaghed440@yahoo.com
- تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۲/۲۸، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۱/۱۲

مقدمه

در دنیای کنونی به‌رغم نقش کشاورزی در امنیت غذایی [۴؛ ۶۴]، نابسامانی در بخش تولیدات کشاورزی رو به افزایش است و امنیت غذایی بخش عمده‌ای از مردم در کشورهای در حال توسعه در معرض خطر قرار دارد. آخرین گزارش جهانی بحران مواد غذایی حاکی از افزایش سطح گرسنگی حاد در جهان است. در سال ۲۰۱۷، حدود ۱۲۴ میلیون نفر در ۵۱ کشور جهان در شرایط ناامنی حاد غذایی به سر می‌بردند که این میزان ۱۱ میلیون نفر بیشتر از سال ۲۰۱۶ بود. یافته‌های گزارش ذکر شده نشان می‌دهد که بحران غذایی به‌طور فزاینده‌ای به دلیل عوامل پیچیده‌ای همانند درگیری‌های داخلی، شوک‌های شدید آب‌وهوایی و قیمت‌های بالای محصولات اصلی غذایی، که اغلب به‌طور هم‌زمان عمل می‌کنند، باز می‌گردد. از دیگر عوامل می‌توان به بلایای طبیعی، به‌ویژه خشکسالی، اشاره کرد که یکی از عوامل اصلی بحران غذا در ۲۳ کشور جهان است که از این تعداد دوسوم آن‌ها در افریقا قرار دارند [۴۳]. همواره رابطه بین جمعیت و امنیت غذایی مورد توجه بوده است [۶۹]. براساس آخرین برآورد چند سازمان بین‌المللی معتبر در سال ۲۰۱۸ حدود ۹٫۲ درصد از جمعیت جهان (کمی بیش از ۷۰۰ میلیون نفر) از ناامنی حاد غذایی رنج می‌برند [۴۱]. برای پاسخ‌گویی به نگرانی‌های موجود، سازمان خواروبار جهانی اعلام کرد برای برطرف کردن تقاضای فزاینده مواد غذایی باید تولیدات کشاورزی ۷۰ درصد در سراسر جهان و حدود ۱۰۰ درصد در کشورهای در حال توسعه افزایش یابد [۵۷؛ ۷۳]. شواهد نشان می‌دهد ناامنی غذایی در کشورهای در حال توسعه شدت بیشتری داشته و به تدریج در این کشورها در حال گسترش است [۳۵]. چالش‌هایی همچون افزایش گرسنگی در سطح جهان، نامتعادل بودن رژیم غذایی روزانه افراد، نابودی محیط زیست و منابع طبیعی و مسائلی از این دست باعث شده که موضوع امنیت غذایی به یکی از مسائل مهم جوامع بشری تبدیل شود [۲۲]. حتی ثروتمندترین کشورهای جهان، نظیر امریکا، نیز نگران امنیت غذایی هستند [۲۷]. در واقع، حفظ امنیت غذایی مسئولیت مشترک همه ملت‌ها به شمار می‌رود و دستیابی به آن نیازمند فعالیت در عرصه بین‌المللی است. آمار فائو نشان می‌دهد که تعداد گرسنگان جهان در سال ۱۹۹۰ تا ۱۹۹۲ برابر ۸۴۱٫۹ میلیون نفر بوده و با اضافه شدن شش میلیون گرسنه دیگر به ۸۴۸ میلیون نفر در سال ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۵ رسیده است. این سازمان در گزارش دیگر خود اعلام کرد ۸۴۲ میلیون نفر بین سال‌های ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۳ دچار سوء تغذیه جدی بودند که این تعداد ۱۲ درصد جمعیت جهان را شامل می‌شود. بر اساس این گزارش، اگرچه آمارهای جدید کمتر از تخمین یک میلیارد و ۲۰ میلیون نفری با شرایط ناامن غذایی در سال ۲۰۰۹ است، نشان می‌دهد که پیشرفتی در تحقق اهداف توسعه هزاره برای به نصف رساندن آمار گرسنگان جهان تا سال ۲۰۱۵ حاصل نشده است [۴۶].

بانک جهانی در سال ۱۹۸۶ امنیت غذایی را دسترسی همه مردم به غذای کافی و مناسب

برای تأمین زندگی سالم و فعال در همهٔ زمان‌ها تعریف کرد [۲۲]. فائو نیز در سال ۲۰۱۴ بیان داشت که امنیت غذایی خانواده وقتی تأمین می‌شود که: ۱. خانواده برای حدود یک سال آینده دسترسی به مقدار کافی و متنوع از مواد غذایی برای رفع نیاز غذایی اعضای خود را داشته باشد؛ ۲. در خانواده سرانهٔ سبب غذایی به صورت صحیح انتخاب و تهیه شود و برای افراد خانواده کافی باشد و ۳. غذای خانواده به صورت صحیح طبخ شود تا عناصر و مواد غذایی سالم و صحیح به سلول‌ها و اندام‌های بدن برسد [۴۶]. در واقع، غذا یکی از ضروریات اساسی برای بقا و ادامهٔ حیات بشر است. براساس نظریهٔ مازلو نیز، نخستین نیازمندی از نیازهای پنج‌گانهٔ انسان غذاست. همچنین غذا یکی از نیازهای جامعهٔ بشری است که تأمین آن در مقولهٔ امنیت غذایی نهفته است [۸]. امنیت غذایی نخستین اصل و از شرط‌های لازم برای حفظ سلامت افراد جامعه است تا افراد بتوانند نقش کلیدی خود را به‌عنوان عنصر اصلی توسعهٔ سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ایفا کنند [۵۸]. براساس آمار منتشر یافته از سوی فائو، تعداد درخور توجهی از گرسنگان در کشورهای در حال توسعه زندگی می‌کنند. البته همهٔ کشورها با مشکل ناامنی غذایی دست‌به‌گریبان‌اند، اما شدت ناامنی غذایی در کشورهای پیشرفته در قیاس با کشورهای در حال توسعه و جهان سوم کمتر است [۴۲]. وجود این تعداد گرسنه در جهان باعث شده بانک جهانی و فائو هدف توسعهٔ هزارهٔ سوم را امنیت غذایی معرفی کند. مشکل ناامنی غذایی در جامعهٔ ایران نیز به نوعی احساس می‌شود. براساس گزارش منتشر شدهٔ وزارت بهداشت در ایران؛ ناامنی غذایی کمتر از ۵ درصد برآورد شده است. در استان‌های کم‌برخوردار و محروم مشکلاتی در این زمینه به چشم می‌خورد. در همین زمینه، نتایج مطالعهٔ بررسی امنیت غذایی در استان‌های کشور نشان داد که وضعیت امنیت غذایی در استان‌های قم، اصفهان، سمنان، تهران و یزد بسیار امن، در آذربایجان شرقی، قزوین و مازندران امن، در زنجان، آذربایجان غربی، خراسان رضوی، خراسان شمالی، مرکزی، همدان، گلستان و گیلان نسبتاً امن است. استان‌های اردبیل، چهارمحال و بختیاری، فارس، کرمانشاه، کردستان، لرستان و خراسان جنوبی به‌عنوان استان نسبتاً ناامن غذایی معرفی شده‌اند. علاوه بر آن، استان‌های خوزستان، کرمان، ایلام و بوشهر به‌عنوان استان‌های ناامن و استان‌های هرمزگان، کهگیلویه و بویراحمد و سیستان و بلوچستان به‌عنوان استان‌های بسیار ناامن غذایی مشخص شده‌اند [۱۲].

امروزه در اکثر کشورهای جهان اهمیت ویژه‌ای برای ایجاد، حفظ و پایداری امنیت غذایی قائل‌اند و نبود آن را تهدیدی جدی علیه توسعهٔ اقتصادی، اجتماعی و سیاسی تلقی می‌کنند. به‌عبارتی، امنیت غذایی هنگامی وجود دارد که همهٔ مردم به غذای کافی، سالم و مغذی دسترسی فیزیکی و اقتصادی داشته باشند و غذای در دسترس، نیازهای رژیم تغذیه‌ای سازگار با ترجیحات آنان را برای یک زندگی فعال و سالم فراهم کند [۱۷]. این تعریف که در سطح گسترده‌ای پذیرفته شده است، به ابعاد گوناگونی اشاره دارد که مهم‌ترین آن‌ها چهار مؤلفهٔ

موجود بودن غذا^۱، دسترسی به غذا^۲، بهره‌مندی یا مصرف غذا^۳ و ثبات در دریافت غذا^۴ است [۳۳]. بنابراین، امنیت غذایی سنگ بنای یک جامعه توسعه‌یافته و عنصر اصلی سلامت فکری، روانی و جسمی اعضای آن تلقی می‌شود. نورد و کلمن^۵ [۵۸] امنیت غذایی را در دو دسته طبقه‌بندی می‌کنند: الف) امنیت غذایی بالا (همه اعضای خانوارها در همه زمان‌ها به غذای کافی برای فعالیت و داشتن یک زندگی سالم دسترسی دارند) و ب) امنیت غذایی حاشیه‌ای (اعضای خانوار در همه زمان‌ها به دسترسی کافی به مواد غذایی مطمئن نیستند، زیرا آن‌ها پول کافی یا منابع دیگر برای تهیه غذا ندارند)؛ این خانوارها مجبورند کیفیت، تنوع و کمیت غذاهایشان را تنزل بدهند [۵۸]. به‌طور کلی، امنیت غذایی هدفی است که در پس آن اهداف مهم دیگر اقتصادی نهفته است که هر یک از اهمیت بسیاری برخوردارند. در ایران، توجه به امنیت غذایی همواره یکی از اهداف عمده برنامه‌های توسعه روستایی و کشاورزی بوده [۵۵] و ارتقاء سطح امنیت غذایی در قانون اساسی، قوانین و سیاست‌های کلی برنامه‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق سال ۱۴۰۴ شمسی مورد توجه ویژه قرار گرفته است [۴۶]. در آن سوی دیگر امنیت غذایی، ناامنی غذایی وجود دارد که براساس آخرین تعاریف عبارت است از: دسترسی محدود و نامشخص به مواد غذایی کافی و سالم یا توانایی محدود و نامشخص برای به‌دست‌آوردن مواد غذایی قابل قبول از راه‌هایی که به لحاظ اجتماعی مقبول‌اند. ناامنی غذایی از موانع مهم پیش‌روی توسعه جامع و پایدار است و آثار مخرب جسمی، روانی، اجتماعی و تهدید رفاه آن ثابت شده است [۷۴]. ناامنی غذایی نه تنها بر تغذیه و سلامت جسمی تأثیرگذار است، بلکه ممکن است روی سلامت روانی فرد نیز تأثیر گذارد. بنابراین، تأمین امنیت غذایی [۷۳] و توجه به امنیت غذایی تلفیقی و جامع [۳۱] یکی از اهداف کلان برنامه‌ریزی‌های توسعه اقتصادی-اجتماعی است. اگرچه میلیون‌ها دلار از سوی دولت‌ها و آژانس‌های کمک‌دهنده بین‌المللی به کشورهای در حال توسعه برای نظارت بر مشکل ناامنی غذایی و گرسنگی داده شده است، ناامنی غذایی هنوز هم یکی از نگرانی‌های جدی بسیاری از کشورهای جهان است [۳۲]. ناامنی غذایی سد عظیمی فراروی رفاه و توسعه‌یافتگی است و چنانچه به صورت ریشه‌ای و جدی چاره‌اندیشی نشود، بی‌شک بشریت آینده مبهمی در این حوزه پیش رو خواهد داشت. این در حالی است که بررسی‌ها در سطح بین‌المللی حاکی از نقش انکارناپذیر زنان در بهبود امنیت غذایی خانوار است. بنابراین، سؤال اساسی پژوهش این است که سازه‌های مؤثر بر بهبود نقش و مشارکت زنان در ارتقاء امنیت غذایی خانوارهای روستایی کدام هستند؟

-
1. food availability
 2. food access
 3. food utilization
 4. food stability
 5. Nord & Celman

مبانی نظری تحقیق

زنان روستایی با تولید ۷۰ تا ۹۰ درصد محصولات غذایی در اکثر کشورهای در حال توسعه، بار مسئولیت تولید نیمی از مواد غذایی در سطح جهان را عهده‌دارند و در مواقع بحرانی و در تضمین سلامت و امنیت غذایی نقش کلیدی دارند [۹؛ ۱۴؛ ۲۵؛ ۶۵]. بنابراین، ارتقای حضور زنان در فعالیتهای اجتماعی و اقتصادی و برنامه‌ریزی جهت گسترش مشارکت آنان در ارتقای بهبود امنیت غذایی شرطی لازم برای توسعه پایدار است. این امر در نواحی روستایی که زنان از دیرباز و به‌طور سنتی در کارهای اقتصادی خانواده مشارکت داشتند ضرورت بیشتری دارد [۲۰]. در ایران فقط ۲۸ درصد جمعیت در روستاها زندگی می‌کنند و نیمی از جمعیت روستایی زنان هستند. اهمیت سهم زنان روستایی فقط در فعالیتهای خانگی نیست، بلکه در جوامع کشاورزی، مردان و زنان در کنار یکدیگر کار می‌کنند و نظر به اینکه زنان روستایی هم در داخل خانه و هم در خارج خانه به فعالیتهای تولیدی مشغول‌اند، ایجاد مازاد اقتصادی می‌کنند و از شالوده‌های اساسی واحدهای تولیدی در روستاهای ایران‌اند [۱۳]. با وجود ارزش و اعتبار کار زنان روستایی و فعالیت آن‌ها برای خانوار و اقتصاد، این افراد از نظر اجتماعی اصولاً در مقاطع تصمیم‌گیری گاهی نقش متناسب و هم‌سنگ با این فعالیتهای نداشته‌اند، لذا در ایران نیز با وجودی که یکی از بنیان‌های اقتصادی روستاها بخش کشاورزی و فعالان این بخش یعنی زنان روستایی است، سهم و نقش آنان در کشاورزی جهت تأمین مواد غذایی و دیگر بخش‌های اقتصادی پنهان مانده است و اغلب در راهبردهای توسعه مورد بی‌توجهی قرار می‌گیرند. به همین دلیل ارزش واقعی مشارکت زنان در تولیدات اقتصادی و امنیت غذایی نادیده انگاشته شده است [۳]. انعکاس این نادیده‌انگاری، افزایش نابرابری و کاهش بهره‌مندی آن‌ها از منابع و فرصت‌هاست. از آنجا که مشارکت زنان روستایی در فعالیتهای اقتصادی، به‌ویژه کشاورزی و صنایع دستی، واقعیتی انکارناپذیر است و این حضور در عرصه‌های اقتصادی باعث کاهش هزینه‌های تولید و افزایش درآمد خانواده‌ها می‌شود، شایسته است سهم آنان به‌طور دقیق در اقتصاد خانوار تعیین شود. بنابراین، آگاهی روزافزون از نقش این قشر در فرایند تولید و لزوم مشارکت گسترده‌تر آنان در روند توسعه اجتماعی و اقتصادی سبب شده از فعالیتهای آن‌ها در سیاست‌های ملی، محلی و روستایی حمایت و پشتیبانی بیشتری به عمل آید [۵]. همچنین، بررسی‌های انجام‌شده نیز به‌منظور شناسایی علل به‌وجودآورنده مشکلات مرتبط با تغذیه در کشور نشان داده است که بخش اعظم مبتلایان به مشکلات تغذیه‌ای در روستا زندگی می‌کنند و عمده مشکلات آنان به کمبود کالری، پروتئین، ویتامین و نیز کم‌خونی ناشی از فقر آهن و بیماری گواتر ناشی از کمبود ید است. بنابراین، جامعه روستایی ایران اغلب با مشکلات نامنی

غذایی دست‌وپنجه نرم می‌کند [۲۳]. در یکی از مطالعات انجام‌شده [۷۰]، مهم‌ترین عوامل مؤثر بر ناامنی غذایی در میان زنان شامل زمین تحت تملک، درآمد خانوار، تعداد افراد خانواده، سن مسئول تغذیه خانوار، پس‌انداز شخصی و تک‌سرپرستی است.

همچنین طی سال‌های اخیر کشور از یک طرف با کمبود غذا مواجه بوده است و از سوی دیگر بیماری‌های مزمن و مرتبط با تغذیه از جمله چاقی، دیابت، بیماری‌های قلب و عروق و انواع سرطان‌ها روند هشداردهنده و رو به گسترش را طی کرده‌اند. به عبارت دیگر، شیوع بیماری‌های ناشی از فقر سلامت و ایمنی غذا در کشور درخور توجه است. این مشکلات تغذیه‌ای پیامدهای نامطلوبی از قبیل افزایش مرگ‌ومیر و ابتلا به بیماری‌ها، افزایش هزینه‌های درمان، کاهش ضریب هوشی و قدرت یادگیری و به‌طور کلی کاهش توانمندی‌های ذهنی و جسمی را به همراه دارند که روند توسعه کشور را به مخاطره می‌اندازد. در ایران، براساس پژوهش‌های مرتبط با هزینه خانوار، ۲۰ درصد افراد جامعه دسترسی اقتصادی به غذای کافی و مناسب به منظور رفع نیازهای غذایی خود را ندارند و حدود ۵۰ درصد نیز برای تأمین سیری سلولی دچار مشکل هستند. به عبارت دیگر، یک‌چهارم مردم دچار کمبود انرژی و نیمی دچار کمبود ریزمغذی‌ها هستند که این مورد می‌تواند علاوه بر سلامت جسمی، سلامت اجتماعی و روانی افراد را نیز تحت‌تأثیر قرار دهد [۶۶]. با تحلیل نظریه‌های مختلف در زمینه نقش زنان در توسعه و امنیت غذایی [۳۸؛ ۷۱؛ ۷۵]، رویکرد توانمندسازی مورد توجه قرار گرفت و این پژوهش در چارچوب این نظریه به اجرا درآمد.

پیشینه تحقیق

زنان روستایی را می‌توان از گروه‌های اجتماعی تأثیرگذار در زندگی روستایی در زمینه ارتقاء امنیت غذایی به‌شمار آورد، زیرا آنان مشارکت بالایی در فعالیتهای کشاورزی، غیرکشاورزی و در زمینه سلامت‌های تغذیه‌ای دارند [۱۵]. نتایج تحقیق سعدی و وحدت مؤدب [۶۴] نشان داد که امنیت غذایی زنان سرپرست خانوار با عواملی نظیر بار تکفل، میزان تحصیلات، تحت پوشش سازمان‌های مختلف قرار داشتن و وضعیت تملک منزل مسکونی ارتباط معناداری دارد. درویش‌پور و همکاران [۱۱] در تحقیقی به بررسی نقش زنان روستایی در توسعه، امنیت و پایداری غذایی پرداختند. نتایج آن‌ها نشان داد که به‌طور کلی آگاهی از مسئله پایداری و تداوم امنیت غذایی، سواد تغذیه‌ای، توانمندکردن خانوار، به‌خصوص زنان روستایی، از مؤلفه‌های اصلی راهبردهای امنیت غذایی‌اند که در این راه ارتقای مقام زنان و نقش فعال آنان در کسب درآمد و تصمیم‌گیری برای تقسیم منابع خانوار یک راهبرد مثبت و قاطع در جهت بهبود امنیت غذایی خانوار تلقی می‌شود. در مطالعه‌ای سواری و همکاران [۶۷] به بررسی امنیت غذایی و شناسایی عوامل مؤثر بین زنان روستایی شهرستان دیواندره پرداختند. براساس نتایج آن‌ها ۳۶/۶۱ درصد

زنان مطالعه‌شده امنیت غذایی داشتند و ۶۳/۳۹ درصد در شرایط ناامنی غذایی بودند و درآمد خانوار، تحصیلات مادر و نظام تولیدی مختلط به‌عنوان مهم‌ترین تعیین‌کننده‌های امنیت غذایی شناخته شدند. نتایج مطالعه سعدی و همکاران [۶۳] نشان داد که ۴۲/۵ درصد افراد بررسی‌شده دچار ناامنی غذایی در سطح کم، ۳۱/۵ درصد دچار ناامنی متوسط و ۱۱ درصد دچار ناامنی شدید غذایی‌اند. همچنین، پنج متغیر آگاهی تغذیه‌ای، مشارکت زنان، کلاس‌های آموزشی، توان اقتصادی و تعداد افراد تحت تکفل تأثیر بیشتری بر تأمین امنیت غذایی خانوار دارند. نادری مهدبی و جلیلیان [۲۶] به بررسی واکاوی ناامنی غذایی و برخی عوامل مؤثر بر آن بین زنان روستایی سرپرست خانوار شهرستان اسلام‌آباد غرب پرداختند. یافته‌ها نشان داد که ۲۵/۲ درصد این خانوارها در طبقه امن غذایی قرار داشتند. همچنین ۵۱/۴ درصد، ۲۱/۵ درصد و ۱/۹ درصد خانوارها به ترتیب در شرایط ناامن غذایی خفیف، متوسط و شدید قرار داشتند. براساس نتایج تحلیل رگرسیون، چهار عامل دانشی، سازمانی، تعداد افراد تحت سرپرستی و درآمد شناسایی شد که در کل ۶۲ درصد از واریانس ناامنی غذایی را تبیین کردند. همچنین، براساس نتایج تحقیق، بهترین راهبرد برای رفع ناامنی غذایی توانمندی و مشارکت زنان سرپرست خانوار و استقلال آن‌ها و برخورداری از حمایت‌های مداوم دولتی بود [۱۰]. همچنین، در تحقیقی در زمینه عوامل مؤثر بر ناامنی غذایی در جامعه روستایی مشخص شد که بخش اعظم این ناامنی غذایی به پایین بودن مشارکت زنان در ارتقاء امنیت غذایی برمی‌گردد [۶۱].

در مطالعه‌ای که از سوی نجیبی درستی مطلق و همکاران [۵۶] انجام شد، ناامنی غذایی با بعد خانوار و وضعیت اقتصادی آن رابطه معناداری داشت. نتایج تحقیق باقری و همکاران [۳۴] نشان داد دسترسی اقتصادی، وجود بازارهای مناسب، دانش و آگاهی خانواده، به‌ویژه مادر، دسترسی خانواده به خدمات بهداشتی و درآمد بر امنیت غذایی مؤثرند.

در مطالعه‌ای صمدیان [۱۷] به بررسی وضعیت امنیت غذایی و شناسایی عوامل مرتبط با آن در شهرستان بندر انزلی پرداخت. نتایج نشان داد که ۵۱ درصد خانوارهای مطالعه‌شده دچار ناامنی غذایی هستند. ناامنی غذایی با سطح اقتصادی خانواده، تعداد افراد شاغل خانواده، تعداد فرزندان، سطح تحصیلات سرپرست خانوار و مالکیت منزل رابطه معناداری دارد. ضیایی و همکاران [۱۸] در تحقیقی به تحلیل عوامل مؤثر بر ناامنی غذایی مناطق روستایی شهرستان گرگان پرداختند که نتایج شاخص استراتژی مقابله با کمبود غذایی نشان داد خانوارهای مناطق روستایی گرگان سطح متفاوتی از عدم امنیت غذایی را تجربه می‌کنند. تنهایی و همکاران [۸] به بررسی وضعیت امنیت غذایی با استفاده از شاخص تنوع غذایی نظیر آنتروپی و بری^۱ در مناطق روستایی مرودشت استان فارس در سال ۱۳۹۱ پرداخته‌اند. نتایج آن‌ها نشان داد که

۱. شاخص بری و آنتروپی (Jacquemin-Berry entropy Index) شاخص‌هایی هستند که برای اندازه‌گیری تنوع در محصولات غذایی استفاده می‌شوند.

بیشترین تنوع غذایی در تأمین کالری و کمترین تنوع غذایی در تأمین چربی وجود دارد. همچنین در کلیه گروه‌های درآمدی، از نظر دسترسی و تنوع غذایی، امنیت غذایی نسبی مشاهده می‌شود. شاهرخی و همکاران [۱۵] با هدف وضعیت‌شناسی شاخص‌های کیفیت زندگی در مراکز دهستان‌های شهرستان جیرفت با استفاده از جدول نمونه‌گیری کرجسی و مورگان ۳۵۰ نفر از خانوارها را مورد تجزیه و تحلیل قرار دادند. نتایج نشان داد که شاخص امنیت غذایی در رتبه اول و شاخص درآمد در رتبه آخر قرار دارد.

پاکروان و همکاران [۶] در مطالعه‌ای به بررسی عوامل مؤثر بر امنیت غذایی خانوارهای شهری و روستایی کشور پرداختند. نتایج نشان داد که در هر دو مدل شهری و روستایی متغیر تعداد اعضای خانوار اثر منفی و معناداری بر امنیت غذایی دارد. همچنین، در مدل روستایی، تحصیلات دانشگاهی به افزایش آگاهی سرپرست خانوار از کیفیت مواد غذایی و بهبود وضعیت امنیت غذایی منجر می‌شود، اما این متغیر در مدل شهری اثر منفی بر امنیت غذایی دارد. میرزائیان و همکاران [۲۴] در پژوهش خود اثربخشی مؤلفه‌های اقتصادی بر رفاه خانوارهای روستایی با استفاده از مدل تاپسیس و از طریق تکمیل ۳۵۲ پرسش‌نامه در منطقه اسلام‌آباد غرب را مورد بررسی و تحلیل قرار دارند. نتایج نشان داد مؤلفه‌های اقتصادی در روستای قلعه‌شیان رتبه یک و روستای چنگر جلیلود رتبه آخر را دارد و این بیانگر وجود نابرابری‌ها در بخش شاخص‌های اقتصادی مطالعه‌شده بین نواحی روستایی است.

نرد و همکاران [۵۸] در تحقیقی به سنجش امنیت غذایی خانوارهای امریکایی پرداختند. تعداد ۸۵ درصد این خانوارها امنیت غذایی داشتند و ۱۵ درصد در شرایط ناامنی غذایی قرار گرفتند. دلیل اصلی ناامنی غذایی دسترسی نداشتن به پول و دیگر منابع برای خرید مواد غذایی است. گوستافسون^۱ [۴۸] در تحقیقی به این نتیجه رسید که با اعمال سیاست‌های مناسب و زیرساختاری، افزایش مواد غذایی به افزایش دستمزد و درآمد کشاورزان، کاهش بیکاری، افزایش تولید محصولات کشاورزی، رشد اقتصادی روستاها، محرکی برای رشد اقتصادی بلندمدت کشور، افزایش دسترسی فیزیکی به مواد غذایی و بهبود امنیت غذایی منجر می‌شود. همچنین، وی به مطالعه افزایش قیمت و هزینه مواد غذایی بعد از بحران ۲۰۰۷-۲۰۰۸ و امنیت غذایی در سطح خانوار کشور هند پرداخته است. نتایج بیان می‌دارد که این تأثیر منفی بوده و تعداد افرادی که دچار ناامنی غذایی هستند در حال افزایش است. اجلی^۲ [۵۹] به بررسی شاخص‌های امنیت غذایی خانوار کشاورز در نیجریه پرداخته است و نتایج وی نشان می‌دهد که حدود یک‌سوم از خانوارهای کشاورزان روستایی نمونه ناامنی غذایی هستند که به طور متوسط اندازه مزرعه خانواده ۲٫۰۵ هکتار بوده است. سینولیو و همکاران^۳ [۷۳] در

1. Gostafson
2. Ojeleye
3. Sinolio et al

مطالعه‌ای به بررسی امنیت آب و امنیت غذایی خانوارهای روستایی در بخش مزینانی افریقایی جنوبی پرداختند. نتایج نشان داد که تأمین آب خانگی خانوارها، سرمایه‌گذاری در طرح‌های آبیاری به صورت فیزیکی و مشارکتی در امنیت غذایی خانوارها مؤثر بوده است. در پژوهشی که در زمینه امنیت غذایی خانوار در کشور امریکا انجام شد نتایج نشان داد که سازه‌های روان‌شناختی تأثیر بسیار بالایی بر مشارکت زنان در ارتقاء امنیت غذایی دارد [۵۹]. در مطالعه‌ای که بین دسترسی و کنترل زنان روستایی خانوار بر منابع مالی و تولیدی خانوار به‌عنوان سازه‌های اقتصادی زنان با امنیت غذایی انجام شد، نتایج گویای آن است که تأثیر مثبت و معناداری بین این مؤلفه‌ها با بهبود مشارکت زنان در امنیت غذایی خانوار وجود دارد [۵۴]. در یک جمع‌بندی سه سازه اصلی روان‌شناختی، اجتماعی و اقتصادی بر ارتقاء توانمندی زنان جهت بهبود امنیت غذایی تأثیر دارند [۳۷؛ ۵۱؛ ۶۰؛ ۷۱]. بنابراین، آگاهی از وضعیت امنیت غذایی و عوامل تأثیرگذار بر آن در جامعه روستایی می‌تواند در شناخت بهتر وضعیت تغذیه و فرهنگ مصرف مواد غذایی مؤثر باشد و این امکان را برای نهادهای سیاست‌گذاری در جامعه روستایی فراهم آورد که با شناخت وضعیت امنیت غذایی و عوامل مؤثر در بهبود آن به رفع مشکلات ناامنی غذایی که در جامعه روستایی روبه‌فزونی است کمک کنند. در راستای این مهم، پژوهش حاضر با هدف کلی بررسی سازه‌های تأثیرگذار بر بهبود مشارکت زنان روستایی در ارتقاء امنیت غذایی خانوار در شهرستان طارم علیا انجام شد که در جهت نیل به آن، اهداف اختصاصی ذیل دنبال شد:

۱. بررسی ویژگی‌های شخصی و حرفه‌ای زنان روستایی مطالعه‌شده؛
۲. بررسی وضعیت وضعیت امنیت غذایی و سازه‌های تأثیرگذار بر آن؛
۳. بررسی روابط بین سازه‌های تأثیرگذار و مشارکت زنان در ارتقاء امنیت غذایی خانوار؛
۴. بررسی تأثیرات سازه‌های مطالعه‌شده بر مشارکت زنان در ارتقاء امنیت غذایی خانوار؛

روش تحقیق

این تحقیق از نظر هدف کاربردی، از نظر کنترل متغیرها غیرآزمایشی و از نظر شیوه جمع‌آوری داده‌ها میدانی به‌شمار می‌رود. با توجه به محدودۀ زمانی، این تحقیق تک‌مقطعی بوده و داده‌ها و اطلاعات در یک مقطع زمانی گردآوری شده‌اند. جامعه آماری پژوهش شامل کلیۀ زنان روستایی در شهرستان طارم علیا بود (N=۱۰۷۹۶). با استفاده از جدول نمونه‌گیری [۵۰]، ۳۹۸ نفر با روش نمونه‌گیری طبقه‌ای با انتساب متناسب به‌عنوان نمونه انتخاب شدند. ابزار اصلی تحقیق پرسش‌نامه‌ای شامل پنج قسمت به شرح ذیل بود: الف) این بخش شامل ویژگی‌های فردی، اجتماعی و اقتصادی زنان روستایی بود؛ ب) در این بخش، جهت بررسی وضعیت امنیت غذایی که از پرسش‌نامه استاندارد وزارت کشاورزی امریکا شامل ۱۸ گویه استفاده شد [۷۶]؛ ج) این بخش شامل

هشت شاخص جهت سنجش وضعیت گروه‌های غذایی بود که در آن از شاخص‌ها و استانداردهای مؤسسه تحقیقات تغذیه‌ای و صنایع غذایی کشور استفاده شد [۴]؛ د) این بخش شامل سازه‌های تأثیرگذار بر ارتقاء مشارکت زنان در ارتقاء امنیت غذایی بود که از سازه‌های اقتصادی (مشارکت در فعالیت‌های تولیدی خانوار، دسترسی و کنترل بر منابع مالی و تولیدی خانوار)، سازه‌های اجتماعی (مشارکت در تصمیم‌گیری خانوار، عضویت در تشکل‌ها، همکاری و تعاون با اهالی روستا، آگاهی تغذیه‌ای و کانال‌های ارتباطی و اطلاعاتی) و سازه‌های روان‌شناختی (میزان اعتماد به نفس زنان، میزان خود اثربخشی زنان، ادراک زنان به قدرت بین فردی، نگرش جنسیتی به کار) برای سنجش آن استفاده شد؛ ه) در این بخش، جهت سنجش مشارکت زنان در ارتقاء امنیت غذایی از مقیاسی مشتمل بر هجده گویه در سه بعد مشارکت در فعالیت‌های کشاورزی، مشارکت در فعالیت غیرکشاورزی و سلامت‌های تغذیه‌ای استفاده شد که در قالب طیف لیکرت (۱) خیلی کم تا ۵) خیلی زیاد) مورد سنجش قرار گرفت. جهت تعیین روایی پرسش‌نامه از پانل متخصصان استفاده شد که شامل کارشناسان امنیت غذایی و اعضای هیئت‌علمی گروه مدیریت و توسعه کشاورزی دانشگاه تهران بودند و براساس آرا و پیشنهادهای آنان اصلاحات لازم در پرسش‌نامه به عمل آمد. همچنین، به‌منظور برآورد پایایی پرسش‌نامه از آزمون ضریب آلفای کرونباخ شد (جدول ۱). با توجه به مقادیر جدول می‌توان گفت که ابزار پژوهش از پایایی لازم و کافی برخوردار است.

جدول ۱. مقدار آلفای کرونباخ برای مقیاس‌های اصلی پژوهش

| مقدار آلفا | تعداد گویه | مقیاس |
|------------|------------|--------------------------------|
| ۰٫۸۵ | ۱۸ | * امنیت غذایی |
| ۰٫۹۰ | ۲۶ | * سازه‌های اقتصادی |
| ۰٫۷۴ | ۲۸ | * سازه‌های اجتماعی |
| ۰٫۹۱ | ۲۹ | * سازه‌های روان‌شناختی |
| ۰٫۸۶ | ۱۸ | * مشارکت در ارتقاء امنیت غذایی |

به‌منظور گروه‌بندی خانوارهای مطالعه‌شده از نظر وضعیت امنیت غذایی، از گروه‌بندی استاندارد وزارت کشاورزی امریکا استفاده شد [۳۶]. همچنین، به‌منظور طبقه‌بندی مشارکت زنان در ارتقاء امنیت غذایی از تفاوت انحراف معیار از میانگین یا معیار (ISDM) به صورت ذیل استفاده شد [۴۷].

$$A < \text{Mean} - \frac{1}{2} \text{Sd} \quad \text{پایین}$$

$$\text{Mean} - \frac{1}{2} \text{Sd} < B < \text{Mean} + \frac{1}{2} \text{Sd} \quad \text{متوسط}$$

$$C > \text{Mean} + \frac{1}{2} \text{Sd} \quad \text{بالا}$$

تحلیل داده‌ها به وسیله نرم‌افزارهای SPSS_{win18} و LISREL_{8.54} انجام شد. در بخش آمار توصیفی از میانگین، درصد، ضریب تغییرات و در بخش آمار استنباطی از ضریب همبستگی و مدل‌سازی معادلات ساختاری استفاده شد.

نتایج

یافته‌های توصیفی

- ویژگی‌های شخصی و حرفه‌ای زنان روستایی مطالعه‌شده

یافته‌های بخش ویژگی‌های شخصی و حرفه‌ای زنان روستایی نشان داد که میانگین سن زنان روستایی مطالعه‌شده ۴۴/۸۵ سال با انحراف معیار ۱/۱۷ سال بود و میزان تحصیلات ۱۹۰ نفر از زنان روستایی با بیشترین فراوانی بی‌سواد، ۱۲۷ نفر سیکل، ۶۴ نفر دیپلم و ۶ نفر فوق دیپلم و ۱۱ نفر لیسانس و بالاتر بود. همچنین، یافته‌های این پژوهش نشان داد که میانگین سابقه فعالیت زنان روستایی در کشاورزی ۱۵/۱۲ سال با انحراف معیار ۱/۰ سال بود. در بررسی تعداد اعضای خانواده زنان روستایی میانگین تعداد اعضای خانوار ۴/۱۸ نفر با انحراف معیار ۱/۵۵ نفر بود و میانگین درآمد سالیانه خانوارهای مطالعه‌شده ۱۳/۱۴ میلیون تومان در سال با انحراف معیار ۴/۸۵ بود.

- بررسی وضعیت سازه‌های تأثیرگذار بر بهبود مشارکت زنان روستایی در ارتقاء امنیت غذایی

به‌منظور بررسی وضعیت سازه‌های اقتصادی، اجتماعی و روان‌شناختی تأثیرگذار بر بهبود مشارکت زنان روستایی در ارتقاء امنیت غذایی از آماره میانگین استفاده شد. نتایج این بخش در جدول ۲ آورده شده است.

جدول ۲. بررسی وضعیت سازه‌های تأثیرگذار و ابعاد آن بر ارتقاء مشارکت زنان در امنیت غذایی

| سازه | شاخص‌ها | میانگین | انحراف معیار |
|----------------------|--|---------|--------------|
| توانمندی اقتصادی | مشارکت در فعالیت‌های تولیدی | ۰/۵۲۵ | ۰/۳۲۳ |
| | دسترسی به منابع مالی و تولیدی خانوار | ۲/۳۵ | ۱/۰۱ |
| | کنترل بر منابع مالی و تولیدی خانوار | ۱/۶۷ | ۱/۰۷ |
| | کل | ۱/۵۱ | ۰/۸۰۱ |
| توانمندی اجتماعی | مشارکت در تصمیم‌گیری خانوار | ۲/۹۰ | ۰/۸۲۵ |
| | عضویت در تشکل‌های محلی | ۲/۵۵ | ۰/۵۲۱ |
| | همکاری و تعاون با اهالی روستا | ۲/۳۵ | ۱/۲۱ |
| | آگاهی تغذیه‌ای | ۲/۲۲ | ۱/۱۲ |
| | استفاده از کانال‌های ارتباطی و اطلاعاتی جدید | ۱/۳۸ | ۰/۸۵۴ |
| | کل | ۲/۲۸ | ۰/۶۸۲ |
| توانمندی روان‌شناختی | میزان اعتماد به نفس | ۲/۹۸ | ۰/۸۰۵ |
| | میزان خود اثربخشی | ۳/۰۹ | ۰/۸۲۰ |
| | ادراک از قدرت فردی | ۳/۱۶ | ۰/۷۸۵ |
| | نگرش جنسیتی به کار | ۳/۲۱ | ۰/۸۲۱ |
| | کل | ۳/۱۱ | ۰/۸۰۱ |

براساس نتایج جدول ۲ می‌توان گفت که وضعیت سازه‌های اقتصادی و اجتماعی در شهرستان مطالعه‌شده در بهبود مشارکت زنان در ارتقاء امنیت غذایی در وضعیت مطلوبی قرار ندارد، زیرا میانگین هریک از این سازه‌ها کمتر از حد متوسط (۲٫۵ از ۵) است.

مشارکت زنان روستایی در ارتقاء امنیت غذایی

نتایج بررسی وضعیت و اولویت‌بندی گویه‌های سنجش مشارکت زنان روستایی در ارتقاء امنیت غذایی در جدول ۳ آورده شده است.

جدول ۳. اولویت‌بندی گویه‌های سنجش مشارکت زنان روستایی در ارتقاء امنیت غذایی خانوار

| رتبه | انحراف معیار | میانگین | گویه‌ها | ابعاد |
|------|--------------|---------|--|-------------|
| ۱ | ۰٫۷۵۲ | ۳٫۰۸ | تولید محصولات زراعی و باغی | کشاورزی |
| ۲ | ۰٫۸۴۱ | ۳٫۰۷ | فرآوری محصولات لبنی | کشاورزی |
| ۳ | ۰٫۷۳۶ | ۲٫۶۴ | ضدعفونی کردن سبزیجات | سلامت غذایی |
| ۴ | ۰٫۹۷۲ | ۲٫۸۲ | فرآوری محصولات کشاورزی (مانند تهیه لپه، آرد و...) | کشاورزی |
| ۵ | ۱٫۳۰ | ۲٫۴۲ | پرورش ماکیان برای تولید گوشت | کشاورزی |
| ۶ | ۱٫۳۵ | ۲٫۴۱ | فرآوری محصولات باغی (رب، قیسی آفتابی، کشمش و...) | کشاورزی |
| ۷ | ۱٫۱۴ | ۲٫۳۸ | قالی بافی (کسب درآمد) | غیرکشاورزی |
| ۸ | ۰٫۷۵۸ | ۲٫۲۹ | توجه به تاریخ تولید و انقضا هنگام خرید مواد غذایی | سلامت غذایی |
| ۹ | ۰٫۸۸۱ | ۲٫۱۲ | فعالیت در زمینه صنایع دستی | غیرکشاورزی |
| ۱۰ | ۱٫۲۶ | ۲٫۰۱ | پرورش ماکیان برای تولید تخم | کشاورزی |
| ۱۱ | ۰٫۸۶۵ | ۱٫۹۰ | استفاده از محصولات سالم و ارگانیک در منزل | سلامت غذایی |
| ۱۲ | ۰٫۹۲۰ | ۱٫۷۸ | توجه به نشان وزرات بهداشت هنگام خرید مواد غذایی | سلامت غذایی |
| ۱۳ | ۱٫۰۰ | ۱٫۷۸ | توجه به علامت استاندارد هنگام خرید مواد غذایی | سلامت غذایی |
| ۱۴ | ۰٫۹۶۰ | ۱٫۵۹ | کار در خارج از منزل برای کسب درآمد | غیرکشاورزی |
| ۱۵ | ۱٫۱۹ | ۱٫۵۲ | استفاده از مواد غذایی فاقد مواد نگهدارنده هنگام خرید | سلامت غذایی |
| ۱۶ | ۰٫۹۳۳ | ۱٫۳۹ | استفاده از گروه‌های اصلی مواد غذایی در رژیم غذایی | سلامت غذایی |
| ۱۷ | ۰٫۸۸۵ | ۱٫۲۷ | کشت صیفی‌جات در باغچه شخصی بدون استفاده از سموم | سلامت غذایی |
| ۱۸ | ۰٫۶۴۴ | ۰٫۶۲۴ | پرورش قارچ | کشاورزی |

* مقیاس: ۱. خیلی کم، ۲. کم، ۳. متوسط، ۴. زیاد، ۵. خیلی زیاد

نتایج اولویت‌بندی سنجه‌های مشارکت زنان روستایی در ارتقاء امنیت غذایی خانوار در شهرستان طارم علیا در جدول ۳ نشان داد که گویه «مشارکت زنان در تولید محصولات کشاورزی (گندم، نخود، ذرت و...)» با بیشترین میانگین (۳/۰۸) دارای بیشترین اهمیت بوده و در اولویت اول قرار گرفته است. همچنین گویه‌های «مشارکت زنان در فرآوری محصولات لبنی (ماست، پنیر، کشک و...)» و «مشارکت زنان در ضدعفونی کردن سبزیجات» به ترتیب در اولویت‌های دوم و سوم قرار دارند. با توجه به نتایج این جدول، زنان روستایی به ترتیب از طریق مشارکت در فعالیت‌های تولید غذا و مراقبت و مدیریت سلامت غذا در مراحل پس از برداشت تا مصرف در سطح خانوار نقش بسیار مهمی در ارتقاء امنیت غذایی خانوار دارند. اولویت شاخص کشاورزی در مقابل سلامت غذا به دلیل حاکمیت الگوی خودمصرفی در قالب نظام‌های بهره‌برداری کوچک‌مقیاس و مصرف محصولات اولیه (فرآوری‌نشده) بیشتر و مصرف کمتر محصولات فرآوری شده است. البته این نتیجه حاکی از ضرورت توانمندسازی هم‌زمان زنان روستایی در هر دو بعد است. البته باید توجه داشت که در کنار سایر موارد، الگوی تغذیه کودکان و مراقبت‌های بهداشتی نیز ارتقا یابد تا درآمد مازاد از کشاورزی باعث بهبود امنیت غذایی شود [۴۰]. به منظور گروه‌بندی مشارکت زنان در ارتقاء امنیت غذایی از معیار ISDM استفاده شد. نتایج این بخش در جدول ۴ آمده است.

جدول ۴. گروه‌بندی مشارکت زنان روستایی در ارتقاء امنیت غذایی

| سطوح مشارکت | فراوانی | درصد | درصد تجمعی |
|-------------|---------|------|------------|
| پایین | ۱۲۶ | ۳۱٫۷ | ۳۱٫۷ |
| متوسط | ۱۳۱ | ۳۲٫۹ | ۶۴٫۶ |
| بالا | ۱۴۱ | ۳۵٫۴ | ۱۰۰ |

میانگین: ۳۱٫۶۰، حداقل: ۱۳، حداکثر: ۵۳، انحراف معیار: ۷٫۸۹

براساس یافته‌های ارائه‌شده در جدول ۴، از آنجا که بیشترین فراوانی (۳۵٫۴ درصد) مربوط به گروه سوم (۱۴۱ نفر) است، می‌توان نتیجه گرفت مشارکت زنان روستایی در ارتقاء امنیت غذایی بالاست. علاوه بر این، مشارکت زنان روستایی ۳۲٫۹ درصد از افراد مطالعه‌شده در ارتقاء امنیت غذایی متوسط است. همچنین، می‌توان اظهار کرد که اکثریت زنان روستایی شهرستان طارم علیا مشارکت بالایی در ارتقاء امنیت غذایی ندارند، زیرا ۲۵۷ نفر (۶۴٫۶ درصد) از آن‌ها مشارکت کم و پایینی در ارتقاء امنیت غذایی دارند. این یافته‌ها با نتایج تحقیقات [۲۹؛ ۹] همخوانی دارد. در این زمینه، باید توجه داشت که مشارکت نسبتاً متوسط یا بالای زنان روستایی در تأمین سطح خاصی از امنیت غذایی خانوار در حال حاضر به معنای مناسب‌بودن سطح مشارکت یا سطح امنیت غذایی نیست. این یافته حاکی از آن است که به منظور ارتقای سطح امنیت غذایی خانوارهای روستایی، که هنوز حدود ۳۲ درصد آن‌ها در وضع نامناسب هستند، می‌توان روی توانمندی‌ها و نقش زنان حساب کرد. بدیهی است ایفای نقش بهتر زنان در این فرایند مستلزم توجه به توانمندی آنان است.

وضعیت امنیت غذایی خانوارهای مطالعه‌شده در گروه‌های مختلف غذایی مصرفی

در این بررسی، وضعیت مصرف گروه‌های مختلف غذایی بین اعضای خانوارهای روستایی براساس الگوی پیشنهادی مؤسسه انسیتو تحقیقات علوم تغذیه‌ای و صنایع غذایی کشور بررسی شد. براساس شاخص‌های تعیین‌شده توسط الگوی تغذیه‌ای، وضعیت تغذیه روزانه فرد از اعضای خانوار روستایی مطالعه‌شده مشخص شده است. در این الگو، سعی شده است با استفاده از مواد غذایی جانشین، سهم هزینه خانوار کاهش یابد تا مواد مغذی با تأمین هزینه کمتری به بدن رسانده شود. اما با توجه به اینکه این مطالعه در سطح خانوار انجام گرفته، تغییر و تعدیلاتی در آن انجام شد. به این صورت که مقدار مواد غذایی در هریک از هشت گروه غذایی که به صورت استاندارد عنوان شده است ابتدا مشخص و سپس در تعداد اعضای هریک از خانوارهای مورد مطالعه ضرب شد و بعد با مقدار غذای مصرفی عنوان‌شده از طرف خانوار مقایسه شد. در صورتی که مقدار غذای مصرفی خانوار (در هریک از هشت گروه غذایی) کمتر از مقدار پیشنهادی الگوی صنایع غذایی کشور بود، این خانوار در آن گروه غذایی در وضعیت ناامن غذایی قرار می‌گرفت و در صورتی که مقدار مصرفی بیشتر از مقدار پیشنهادی بود، در طبقه امن غذایی قرار می‌گرفت. لذا در این مطالعه امنیت یا ناامنی غذایی در هریک از گروه‌های غذایی به تفکیک برای هریک از خانوارهای روستایی مشخص شد. نتایج این بخش در جدول ۵ آورده شده است. همان‌گونه که از نتایج جدول مشاهده می‌شود، بیشترین سطح امنیت غذایی بین خانوارهای روستایی شهرستان مطالعه‌شده مربوط به گروه لبنیات است و کمترین سطح امنیت غذایی در میان خانوارهای روستایی مطالعه‌شده مربوط به گروه غذایی میوه‌جات است.

جدول ۵. وضعیت امنیت غذایی خانوارهای مطالعه‌شده در گروه‌های مختلف غذایی مصرفی

| گروه‌های غذایی به تفکیک | مقدار استاندارد | | امنیت غذایی | | ناامنی غذایی | |
|-------------------------|-----------------|------|--------------|------|--------------|------|
| | تعداد خانوار | درصد | تعداد خانوار | درصد | تعداد خانوار | درصد |
| غلات | ۳۵۰ گرم | ۲۵۴ | ۶۳،۸۱ | ۱۴۴ | ۳۶،۱۹ | |
| حبوبات | ۳۰ گرم | ۲۶۳ | ۶۶،۰۸ | ۱۳۵ | ۳۳،۹۲ | |
| قند و شکر | ۴۵ گرم | ۱۹۸ | ۴۹،۷۴ | ۲۰۰ | ۵۰،۲۶ | |
| انواع روغن خوراکی | ۲۵ گرم | ۲۱۴ | ۵۳،۷۶ | ۱۸۴ | ۴۶،۲۴ | |
| میوه‌جات | ۳۵۰ گرم | ۱۲۹ | ۳۲،۴۱ | ۲۶۹ | ۵۸،۶۸ | |
| سبزیجات | ۳۳۰ گرم | ۱۴۹ | ۳۷،۴۳ | ۲۴۹ | ۵۲،۷۷ | |
| گوشت (قرمز و سفید) | ۱۰۰ گرم | ۱۵۲ | ۳۸،۱۹ | ۲۴۶ | ۶۱،۸۱ | |
| لبنیات | ۴۰۰ گرم | ۲۷۵ | ۶۹،۰۹ | ۱۲۳ | ۳۰،۹۱ | |

برخورداری بهتر خانوارهای روستایی در سطح بالاتر امنیت غذایی از بعد مصرف لبنیات ناشی از این است که دسترسی این خانوارها به محصولات و فرآورده‌های لبنی در مقایسه با سبزی و میوه‌جات چندان فصلی نیست. وجود شیر و فرآورده‌های آن در سطح خانوار به‌عنوان یک محصول روزانه یا در سطح بازار محلی، خانوارهای روستایی را در وضعیت بهتری از نظر دسترسی و مصرف این گروه غذایی قرار داده است. این در حالی است که خانوارهای روستایی، به‌استثنای چند ماه از سال، دسترسی منظم به سبزی و میوه ندارند و برخورداری آن‌ها از این محصولات مستلزم وجود واسطه‌های بازاریابی و فعالیت آن‌ها در منطقه است که این امر خود تابع شرایط آب‌وهوایی است و فسادپذیری سبزی و صیفی‌انگیزه آنان برای حضور منظم در بازارهای روستایی را کم می‌کند. باید توجه داشت فقط در صورت وجود زیرساخت‌های حمل و انبارداری سرد^۱ این محصولات امکان مقابله به موجود بودن فصلی آن‌ها را کاهش می‌دهد که البته در شرایط حاضر به دلیل هزینه بالا، استفاده از این تکنولوژی‌ها مقرون‌به‌صرفه نیست. درضمن، الگوی تغذیه‌ای خانوارهای روستایی که لبنیات را ماده غذایی ضروری و مهم تلقی کرده و مصرف میوه و سبزی را در اولویت دوم قرار می‌دهد نیز بر این امر مؤثر است.

بررسی وضعیت امنیت غذایی بین خانوارهای مطالعه‌شده

در این بررسی، با توجه به اینکه ابزار اندازه‌گیری پژوهش (پرسش‌نامه) سنجش امنیت غذایی براساس الگوی غذایی خانوار مورد مطالعه طی دوازده ماه گذشته بوده است، با توجه به اینکه ماهیت گویه‌ها منفی است و با لحاظ کردن میانگین بالاتر و ضریب تغییرات پایین‌تر سه گویه اول یعنی «نداشتن مواد غذایی برای خوردن در تمام طول روز»، «حذف شدن تعدادی از وعده‌های غذایی توسط بزرگسالان» و «به علت ناتوانی در خرید مواد غذایی چندبار پچه‌ها گرسنه بودند» می‌توان گفت این عوامل در ایجاد ناامنی غذایی تأثیر بالا و برعکس در ایجاد امنیت غذایی کمترین تأثیر را داشته یا این مشکلات غذایی از مواردی بوده که برای زنان روستایی در یک سال گذشته کمتر اتفاق افتاده است. بررسی کلی نتایج این بخش حاکی از آن است فقدان موجودیت غذا و عدم دسترسی فیزیکی و اقتصادی به غذا بیشتر باعث ناامنی غذایی در منطقه شده است که این می‌تواند ناشی از فقر اقتصادی و پایین بودن قدرت خرید خانوارها یا عدم دسترسی به برخی از اقلام خوراکی به صورت کلی یا فصلی باشد. در نقطه مقابل گویه‌های با میانگین کمتر و ضریب تغییرات بالاتر حاکی از آن است که تحقق سطوحی از امنیت غذایی بیشتر متأثر از الگوهای فرهنگی مدیریت مناسب غذا مانند تعدیل وعده‌های غذایی، قناعت و نظایر آن است. بنابراین، توانمندسازی اقتصادی خانوارهای روستایی در کنار

1. cool carriers and cool storage

تکریم و احیای الگوهای مناسب مدیریت غذا می‌تواند باعث بهبود امنیت غذایی در منطقه شود. نتایج این جدول نباید به‌عنوان سطح امنیت غذایی خانوارها تفسیر شود، بلکه سهم و جایگاه هریک از مشکلات یا گویه‌های تبیین‌کننده در ایجا امنیت غذایی را نشان می‌دهد. این یافته با نتایج تحقیقات [۱؛ ۲۹] همخوانی دارد. نتایج این بخش در جدول ۶ آورده شده است.

جدول ۶. اولویت‌بندی گویه‌های امنیت غذایی بین خانوارهای روستایی مطالعه‌شده

| رتبه | آماره‌های توصیفی | | | میزان (درصد) | | | گویه |
|------|------------------|--------------|---------|--------------|----------------|-------------|--|
| | ضریب تغییرات | انحراف معیار | میانگین | اغلب (۳) | گاهی اوقات (۲) | به ندرت (۱) | |
| ۱ | ۰٫۲۲۴ | ۰٫۵۰۶ | ۱٫۵۶۲ | ۰٫۵ | ۵۵٫۳ | ۴۴٫۲ | نداشتن مواد غذایی برای خوردن در تمام طول روز |
| ۲ | ۰٫۳۴۱ | ۰٫۵۱۰ | ۱٫۴۹۷ | ۰٫۵ | ۴۸٫۷ | ۵۰٫۸ | حذف شدن تعدادی از وعده‌های غذایی از سوی بزرگ‌سالان |
| ۳ | ۱٫۱۹۴ | ۰٫۴۹۸ | ۰٫۴۱۷ | ۰٫۳ | ۴۱٫۲ | ۵۸٫۵ | به علت ناتوانی خرید مواد غذایی چندبار بچه‌ها گرسنه بودند |
| ۴ | ۱٫۲۴۶ | ۰٫۵۰۱ | ۰٫۴۰۲ | ۰٫۵ | ۳۹٫۲ | ۶۰٫۳ | تغذیه‌نشدن بچه‌ها به اندازه کافی |
| ۵ | ۱٫۲۶۷ | ۰٫۴۹۳ | ۰٫۳۸۹ | ۰٫۳ | ۳۸٫۴ | ۶۱٫۳ | احساس گرسنگی کردن اما چیزی برای خوردن نداشتن |
| ۶ | ۱٫۳۰۱ | ۰٫۵۰۲ | ۰٫۳۸۶ | ۰٫۷ | ۳۷٫۲ | ۶۲٫۱ | کافی نبودن مواد غذایی خریداری شده و ناتوانی در خرید غذا |
| ۷ | ۱٫۳۵۶ | ۰٫۵۲۲ | ۰٫۳۸۵ | ۱٫۷ | ۳۵٫۲ | ۶۳٫۱ | تهیه و تدارک مواد غذایی ارزان قیمت برای بچه‌ها |
| ۸ | ۱٫۴۰۲ | ۰٫۵۰۶ | ۰٫۳۶۱ | ۱٫۲ | ۳۳٫۷ | ۶۵٫۱ | ناتوانی در تهیه و وعده‌های غذایی متعادل و متناسب |
| ۹ | ۱٫۳۶۷ | ۰٫۴۸۴ | ۰٫۳۵۴ | ۰٫۳ | ۳۴٫۹ | ۶۴٫۸ | خوردن غذا در هر وعده غذایی کمتر از حد معمول |
| ۱۰ | ۱٫۳۹۰ | ۰٫۴۸۱ | ۰٫۳۴۶ | ۰٫۲ | ۳۴٫۲ | ۶۵٫۶ | بزرگ‌سالان به مدت سه ماه در طول تمام روز غذا نخوردند |
| ۱۱ | ۱٫۴۰۸ | ۰٫۴۸ | ۰٫۳۴۱ | ۰٫۲ | ۳۳٫۷ | ۶۶٫۱ | نگرانی در مورد تمام شدن غذا |
| ۱۲ | ۱٫۴۴۴ | ۰٫۴۷۵ | ۰٫۳۲۹ | ۰٫۳ | ۳۲٫۴ | ۶۷٫۳ | حذف کردن تعدادی از وعده‌های غذایی بزرگ‌سالان |
| ۱۳ | ۱٫۵۹۴ | ۰٫۴۵۹ | ۰٫۲۸۸ | ۰٫۲ | ۲۸٫۴ | ۷۱٫۴ | کاهش وزن به علت نخوردن غذای کافی |
| ۱۴ | ۱٫۵۹۸ | ۰٫۴۸۱ | ۰٫۳۰۱ | ۱ | ۲۸٫۱ | ۷۰٫۹ | ناتوانی در تهیه و وعده‌های غذایی متعادل برای بچه‌ها |
| ۱۵ | ۱٫۶۱۹ | ۰٫۴۵۵ | ۰٫۲۸۱ | ۰٫۳ | ۲۷٫۶ | ۷۲٫۱ | حذف کردن بعضی از وعده‌های |

| رتبه | آماره‌های توصیفی | | | میزان (درصد) | | | گویه |
|------|------------------|--------------|---------|--------------|----------------|-------------|--|
| | ضریب تغییرات | انحراف معیار | میانگین | اغلب (۳) | گاهی اوقات (۲) | به ندرت (۱) | |
| ۱۶ | ۱,۷۱۶ | ۰,۴۶۰ | ۰,۲۶۸ | ۰,۷ | ۲۵,۴ | ۷۳,۹ | غذایی بچه‌ها بچه‌ها در تمام طول یک روز غذا نخورده‌اند |
| ۱۷ | ۱,۷۷۳ | ۰,۴۴۵ | ۰,۲۵۱ | ۰,۵ | ۲۴,۱ | ۷۵,۴ | بچه‌ها به مدت سه ماه یا بیشتر بعضی از وعده‌های غذایی را نخورند |
| ۱۸ | ۱,۹۹۱ | ۰,۴۲۰ | ۰,۲۱۱ | ۰,۵ | ۲۰,۱ | ۷۹,۴ | کاهش تعداد یا میزان وعده‌های غذایی بچه‌ها |

در این مطالعه، به منظور گروه‌بندی خانوارها از نظر وضعیت امنیت غذایی از طبقه‌بندی وزارت کشاورزی آمریکا استفاده شد. براساس نتایج مندرج در جدول ۷ می‌توان گفت که از بین خانوارهای روستایی شهرستان طارم علیا فقط ۱۷,۰۸ درصد از آنان امنیت غذایی کامل دارند، ۴۳,۹۶ درصد دچار ناامنی غذایی بدون گرسنگی، ۲۴,۳۷ درصد نیز دچار ناامنی غذایی با گرسنگی متوسط و ۱۴,۵۹ درصد نیز دچار ناامنی غذایی با گرسنگی شدید هستند. بنابراین، خانوارهای روستایی شهرستان طارم علیا از نظر امنیت غذایی در وضعیت مطلوبی نیستند، زیرا ۸۲,۹۲ درصد از خانوارهای مطالعه‌شده در جاتی از ناامنی غذایی را دارند. این یافته‌ها با نتایج تحقیقات [۲۹؛ ۹؛ ۲؛ ۱] همخوانی دارد.

جدول ۷. بررسی وضعیت امنیت غذایی خانوار براساس دیدگاه پاسخ‌گویان

| جمع | درصد تجمعی | درصد | فراوانی | سطح |
|-------|------------|-------|---------|-----------------|
| ۱۷,۰۸ | ۱۷,۰۸ | ۱۷,۰۸ | ۶۸ | امنیت غذایی |
| | ۶۱,۰۴ | ۴۳,۹۶ | ۱۷۵ | بدون گرسنگی |
| ۸۲,۹۲ | ۸۵,۴۱ | ۲۴,۳۷ | ۹۷ | با گرسنگی متوسط |
| | ۱۰۰ | ۱۴,۵۹ | ۵۸ | با گرسنگی شدید |
| - | - | ۱۰۰ | ۳۸۹ | جمع |

بررسی روابط بین سازه‌های تأثیرگذار بر بهبود مشارکت زنان در

ارتقاء امنیت غذایی خانوار

به منظور بررسی روابط بین سازه‌های تأثیرگذار و ابعاد آن بر مشارکت زنان در ارتقاء امنیت غذایی خانوار از همبستگی پیرسون استفاده شد. نتایج این بخش در جدول ۸ بیانگر آن است سازه‌های اقتصادی، اجتماعی و روان‌شناختی رابطه مثبت و معناداری با بهبود مشارکت زنان در

ارتقاء امنیت غذایی دارد. یافته‌ها نشان داد چنانچه دسترسی بهتری به امور مالی وجود داشته باشد، این عامل سبب بهبود مشارکت زنان در ارتقاء امنیت غذایی می‌شود. همچنین، افزایش مشارکت، عضویت، افزایش همکاری و تعاون با اهالی روستا، افزایش آگاهی تغذیه‌ای و دسترسی به کانال‌های ارتباطی نیز سبب بهبود مشارکت زنان در ارتقاء امنیت غذایی می‌شود. افزایش اعتمادبه‌نفس، بهبود خود اثربخشی و نگرش جنسیتی مثبت به کار نیز موجب بهبود مشارکت زنان در ارتقاء امنیت غذایی می‌شود. این یافته‌ها با نتایج تحقیقات [۷؛ ۱۰؛ ۱۹؛ ۳۲؛ ۳۹؛ ۵۵؛ ۶۲؛ ۷۲؛ ۷۸] همخوانی دارد.

جدول ۸. رابطه بین سازه‌های تأثیرگذار بر مشارکت زنان در ارتقاء امنیت غذایی خانوار

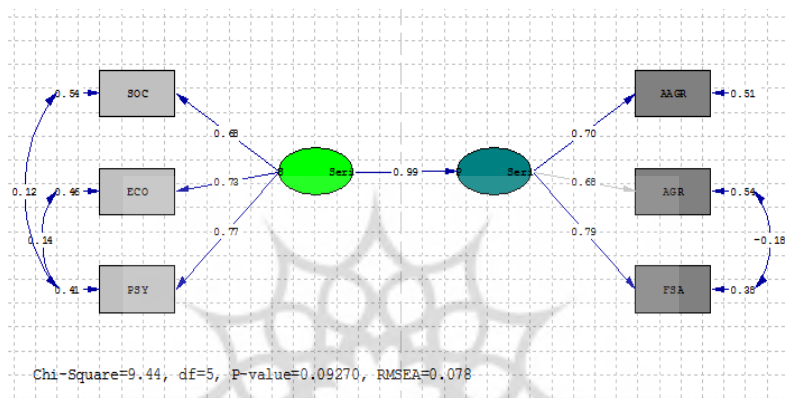
| امنیت غذایی | | متغیرهای مستقل | ابعاد سازه |
|-------------|---------|--|----------------------|
| Sig | r | | |
| ۰/۲۵۶ | ۰/۰۵۷ | پس‌انداز شخصی | سازه‌های اقتصادی |
| ۰/۰۰۱ | ۰/۲۶۵** | دسترسی به منابع مالی | |
| ۰/۰۰۰ | ۰/۳۶۱** | کنترل بر منابع مالی | |
| ۰/۰۰۰ | ۰/۴۲۱** | مشارکت در فعالیت‌های تولیدی | |
| ۰/۰۰۱ | ۰/۳۲۱** | * سازه‌های اقتصادی | |
| ۰/۰۰۰ | ۰/۲۳۱** | مشارکت در تصمیم‌گیری خانوار | سازه‌های اجتماعی |
| ۰/۰۵۰ | ۰/۱۲۵* | عضویت در تشکل‌ها | |
| ۰/۱۴۱ | ۰/۱۳۴ | همکاری و تعاون با اهالی روستا | |
| ۰/۰۰۱ | ۰/۳۲۸** | آگاهی تغذیه‌ای | |
| ۰/۰۱۵ | ۰/۱۴۳* | دسترسی به کانال‌های ارتباطی و اطلاعاتی | |
| ۰/۰۰۵ | ۰/۲۳۵* | * سازه‌های اجتماعی | |
| ۰/۰۴۲ | ۰/۳۲۴* | نگرش جنسیتی به کار | سازه‌های روان‌شناختی |
| ۰/۴۲۱ | ۰/۳۴۵ | ادراک از قدرت فردی | |
| ۰/۰۰۰ | ۰/۳۴۸** | اعتمادبه‌نفس | |
| ۰/۰۰۸ | ۰/۲۲۵** | خود اثربخشی | |
| ۰/۰۰۰ | ۰/۳۶۳** | * سازه‌های روان‌شناختی | |

**معناداری در سطح ۱درصد و *معناداری در سطح ۵درصد

بررسی تأثیر سازه‌های تأثیرگذار بر مشارکت زنان در ارتقاء امنیت غذایی خانوار

در این پژوهش، به‌منظور بررسی تأثیر سازه‌های اقتصادی، اجتماعی و روان‌شناختی بر مشارکت زنان در ارتقاء امنیت غذایی از روش مدل‌سازی معادلات ساختاری در قالب تحلیل مسیر

استفاده شد. بنابراین، سازه اقتصادی (ECO)، سازه اجتماعی (SOC) و سازه روان‌شناختی (PSY) و مشارکت در ارتقاء امنیت غذایی (P)، که با سه مؤلفه مشارکت در فعالیت‌های کشاورزی (AGR)، فعالیت‌های غیرکشاورزی (AAGRI) و سلامت غذایی (FS) وارد نرم‌افزار لیزرل شدند. مدل ساختاری روابط بین متغیرهای مکنون پژوهش (سازه‌های تأثیرگذار و مشارکت در ارتقاء امنیت غذایی) با نمایش بارهای عاملی استاندارد شده و شاخص برازندگی را نشان می‌دهد (نمودار ۱).



نمودار ۱. مدل معادلات ساختاری متغیرهای پژوهش با نمایش بارهای عاملی استاندارد شده

برای ارزیابی برازش مدل معادلات ساختاری چندین شاخص برازندگی وجود دارد. در این پژوهش، با استناد به پیشنهادهای تعدادی از آماردانان از شاخص‌های کای اسکویر (χ^2)، به همراه معناداری آن (P)، شاخص برازندگی (GIF)، شاخص نرم‌نشده برازندگی (NNFI)، شاخص برازندگی فزاینده (IFI)، شاخص تطبیقی (CFI)، ریشه میانگین مجذور خطای تخریب (RMSEA) و شاخص میانگین مجذور باقی‌مانده (RMR) برای ارزیابی برازندگی مدل معادلات ساختاری پژوهش استفاده شد. هم‌اکنون معیارهای دقیقی برای این شاخص وجود ندارد، اما دستور کلی ذیل در ادبیات مطرح شده است: اگر مقدار χ^2 معنادار نباشد، مقدار شاخص‌های IFI، NNFI، GIF و CFI بالاتر از ۰/۹ باشند، مقدار RMSA کمتر از ۰/۰۵ و مقدار RMR کمتر از ۰/۱ باشد، برازش مدل مناسب است [۲۹؛ ۳۶؛ ۵۹]. بر این پایه، با توجه به مقدار گزارش‌شده شاخص‌های برازندگی مدل در جدول ۹ دیده می‌شود که داده‌ها از لحاظ آماری با ساختار عاملی و زیربنای نظری مدل معادلات ساختاری متغیرهای نهفته پژوهش مناسب و قابل قبولی دارند و مقادیر همه شاخص‌ها در تطابق با مقدار معیار از میزان قابل قبولی برخوردار بود.

همچنین ضریب مسیر^۱ استاندارد شده مدل بین سازه‌های تأثیرگذار و مشارکت زنان در ارتقاء امنیت غذایی خانوار برابر ۰/۹۹ است که در سطح یک درصد معنادار شده است ($t = 0.99$, $\gamma = 10.45$). علاوه بر این، ضریب تعیین (R^2) برای متغیر مشارکت زنان در ارتقاء امنیت غذایی برابر ۰/۸۱ است. بدین معنا که ۸۱ درصد از تغییرات واریانس مشارکت زنان در ارتقاء امنیت غذایی خانوارهای زنان روستایی شهرستان طارم علیا تحت تأثیر سازه‌های اقتصادی، اجتماعی و روان‌شناختی تبیین می‌شود. به این ترتیب، از مباحث ذکر شده می‌توان چنین نتیجه گرفت که: سازه‌های اقتصادی، اجتماعی و روان‌شناختی اثر مثبت و معناداری بر بهبود مشارکت زنان در ارتقاء امنیت غذایی دارد. همچنین، با توجه به مدل ارائه شده می‌توان گفت که در میان سازه‌های تأثیرگذار، سازه روان‌شناختی تأثیر بیشتری در بهبود مشارکت زنان روستایی در ارتقاء امنیت غذایی خانوار نسبت به سایر ابعاد دارد. این یافته با یافته‌های تحقیقات [۱۹؛ ۲۱؛ ۲۸؛ ۳۵؛ ۴۹؛ ۵۶؛ ۵۹؛ ۶۷؛ ۷۲] همخوانی دارد.

جدول ۹. شاخص‌های برازندگی مدل معادلات ساختاری پژوهش

| شاخص | معیار | مقدار گزارش شده |
|----------|-----------------|-----------------|
| X^2/df | ۳ و کمتر | ۱،۶۷ |
| RMR | کوچک‌تر از ۰،۰۵ | ۰،۰۱۲ |
| GFI | ۰،۹ و بالاتر | ۰،۹۸ |
| AGFI | ۰،۹ و بالاتر | ۰،۹۱ |
| NFI | ۰،۹ و بالاتر | ۰،۹۸ |
| NNFI | ۰،۹ و بالاتر | ۰،۹۸ |
| IFI | ۰،۹ و بالاتر | ۰،۹۹ |
| CFI | ۰،۹ و بالاتر | ۰،۹۹ |
| RMSEA | کوچک‌تر از ۰،۰۸ | ۰،۰۷۸ |

نتیجه‌گیری

نتایج این پژوهش نشان داد که از میان سازه‌های تأثیرگذار بر بهبود مشارکت زنان روستایی بر بهبود امنیت غذایی تنها سازه روان‌شناختی از حد متوسط بالاتر بود، اما از نظر سازه اقتصادی و اجتماعی در وضعیت مناسبی قرار ندارند؛ به طوری که مقدار آنان کمتر از حد متوسط بود. این یافته با نتایج پژوهش [۱] همخوانی دارد. برخلاف سازه‌های روان‌شناختی که حاصل رشد معنوی و پرورش روح و ذهن زنان در طول زندگی است، توانمندی‌های اقتصادی و اجتماعی آنان در کنار کسب دانش و آگاهی نیازمند دسترسی به منابع توسعه بیرونی نیز است. فقدان یا

۱. ضریب مسیر نشان‌دهنده قوت رابطه بین سازه‌های تأثیرگذار و مشارکت زنان در ارتقاء امنیت غذایی است.

ناچیز بودن دسترسی و کنترل بر منابع اقتصادی و اجتماعی، مسیر توانمندسازی زنان برای بهبود امنیت غذایی را با دشواری مواجه می‌کند. اما در بررسی مشارکت زنان روستایی در ارتقاء امنیت غذایی، نتایج نشان داد که بیشترین مشارکت زنان در زمینه فعالیت‌های تولیدی کشاورزی، فرآوری محصولات لبنی و ضدعفونی کردن سبزیجات بود؛ به طوری که نتایج حاکی از آن بود که زنان روستایی مطالعه‌شده مشارکت پایینی در زمینه ارتقاء امنیت غذایی از بعد بهبود دسترسی به غذا دارند. این امر حاکی از آن است که ایفای نقش در بهبود امنیت غذایی فرایندی پیچیده است که همه الزامات آن مانند دسترسی، کنترل، آگاهی و رفاه باید فراهم شود. همچنین، در بررسی امنیت غذایی در قسمت وضعیت گروه‌های غذایی نشان داد که در مناطق طارم علیا شیوع بالایی از ناامنی غذایی در سطح خانوار روستایی وجود دارد. خانوارهای روستایی به طور درخور ملاحظه‌ای از گروه غذایی لبنیات استفاده و در مقابل مقادیر کمتری از میوه‌جات و سبزیجات را مصرف می‌کنند. بر پایه مطالعات گذشته در ایران دلیل ناامنی غذایی موضوعات مرتبط با موجودیت غذا نیست و ناامنی غذایی در خانوارهای روستایی اساساً تحت تأثیر عوامل اقتصادی (دسترسی فیزیکی و اقتصادی) است که خود ناشی از بی‌ثباتی قیمت غذا، توان خرید پایین و عدم دسترسی به آن از سوی خانوارهای فقیر است. شاید بتوان مصرف بیشتر اقلام غذایی در گروه لبنیات و نیز کاهش آشکار امنیت غذایی در گروه میوه‌جات و سبزیجات را در خانوارهای روستایی به فصلی بودن عرضه گروه دوم در مقایسه با لبنیات و پایین بودن توان خرید محصولات لبنی که خود تولید نمی‌کنند نسبت داد. به طور کلی نتایج بیانگر وضعیت نامطلوب امنیت غذایی بین خانوارهای روستایی مورد مطالعه است؛ به طوری که بیش از ۸۰ درصد از این خانوارها از درجاتی از ناامنی غذایی رنج می‌بردند. این یافته با نتایج تحقیقات [۹؛ ۲؛ ۱؛ ۲۹؛ ۳۹؛ ۴۴؛ ۶۴؛ ۶۱؛ ۶۲؛ ۶۶] همخوانی دارد. شیوع سطوح درخور توجهی از ناامنی غذایی در منطقه نیاز به بررسی بیشتر دارد. البته باید توجه داشت که وضعیت نامساعد امنیت غذایی می‌تواند ناشی از عوامل متعدد و درهم‌تنیده‌ای باشد که به صورت زنجیره‌وار در ارتباط با یکدیگر قرار دارند. مهم‌ترین آن‌ها ناشی از ضعف شرایط اقتصادی، موانع اجتماعی و تغییرات فرهنگی است. نتایج تحلیل همبستگی نیز نشان داد که بین همه سازه‌های تأثیرگذار و ابعاد آن به جز همکاری و تعاون با اهالی روستا در سازه اجتماعی و ادراک زنان نسبت به قدرت فردی در سازه روان‌شناختی، بقیه متغیرها با مشارکت در ارتقاء امنیت غذایی رابطه مثبت و معناداری از نظر آماری وجود داشتند؛ به طوری که بهبود سازه‌های تأثیرگذار اجتماعی، اقتصادی و روان‌شناختی با بهبود مشارکت زنان روستایی در ارتقاء امنیت غذایی همراه است. نتایج این بخش با مطالعات [۷؛ ۳۲؛ ۳۹؛ ۵۵؛ ۷۷] مطابقت دارد. همچنین، نتایج مدل‌سازی معادلات ساختاری نشان داد که سازه‌های اقتصادی، اجتماعی و روان‌شناختی تأثیر مثبت و معناداری بر بهبود مشارکت زنان در ارتقاء امنیت غذایی دارند؛ به طوری که این سازه‌ها قادرند ۸۱ درصد از

واریانس متغیر وابسته تحقیق (مشارکت در ارتقاء امنیت غذایی) را تبیین کنند. از این میان، سازه‌های مطالعه‌شده بعد روان‌شناختی تأثیر بیشتری بر بهبود مشارکت زنان در ارتقاء امنیت غذایی دارد. این یافته با مطالعات [۲۱؛ ۳۵؛ ۴۹؛ ۵۶؛ ۵۹؛ ۶۷] مطابقت دارد. در این زمینه، با توجه به نتایج تحقیق جهت بهبود مشارکت زنان در ارتقاء امنیت غذایی پیشنهادهایی به صورت ذیل ارائه می‌شود:

- با توجه به اینکه بین سازه‌های اجتماعی و مشارکت زنان در ارتقاء امنیت غذایی رابطه‌ای مثبت و معنادار وجود دارد، پیشنهاد می‌شود با برگزاری دوره‌های انگیزشی، ارتقاء آگاهی و آموزشی مناسب برای زنان به‌طور درخور ملاحظه‌ای امنیت غذایی را تأمین کرد. این آموزش‌ها باید در حوزه‌های تولیدات کشاورزی، فعالیت‌های غیرزراعی، فرآوری و بسته‌بندی و بازاریابی محصولات کشاورزی، مدیریت کسب‌وکار، تغذیه خانوار، مدیریت امور منزل یا خانه‌داری و بهداشت و مدیریت مواد غذایی برنامه‌ریزی و اجرا شوند. آموزش زنان، امکان کسب دستمزدها و درآمدهای بالاتر را برای آن‌ها فراهم می‌کند. این امر از یک‌سو به توانمندسازی زنان به‌عنوان تأمین‌کنندگان بخش مهمی از درآمد خانوار منجر می‌شود و از سوی دیگر افزایش درآمد زنان به‌منزله یکی از عوامل مؤثر جهت تأمین سلامت تغذیه‌ای افراد خانوار محسوب می‌شود، زیرا آنان بخشی از درآمد خود را صرف تغذیه خانوار می‌کنند. درنهایت آگاهی و فرهنگ تغذیه‌ای جامعه نیز حائز اهمیت است. آگاهی مادران از الگوی صحیح تغذیه در دوران بارداری و شیردهی و نیز درخصوص تغذیه کودکان و نوجوانان موجب خواهد شد با جایگزینی مواد غذایی همگن و با ارزش یکسان از نظر ترکیبات غذایی و با توجه به نوسانات قیمت آن‌ها، انرژی، پروتئین و ویتامین‌های لازم به افراد خانواده با توجه به سن و نوع فعالیت آن‌ها تأمین شود و از آثار ناگوار سوء تغذیه تا حدودی پیشگیری شود. از این‌رو، تبلیغات و دادن آگاهی‌های لازم، به‌ویژه به زنان و دختران روستایی (در دوران تحصیل)، حائز اهمیت است و می‌تواند سلامت خانواده را در آینده تضمین کند. همچنین با حمایت‌های مناسب دولتی امکان حضور زنان در تشکل‌هایی روستایی مانند صندوق تعاونی، صندوق اعتبارات خرد، انجمن‌های زنان و... وجود دارد. در این زمینه، به سازمان‌های مستقر در روستا یا سازمان‌های مربوطه پیشنهاد می‌شود با متنوع کردن فعالیت‌های خود و به‌کارگیری روش‌های مناسب مانند تشویق آنان به ایجاد انجمن‌ها، تشکل‌ها و گروه‌های همکاری، امکان مشارکت زنان را در زمینه‌های مختلف اجتماعی فراهم آورند تا توانمندی اجتماعی آنان افزایش و درنهایت امنیت غذایی خانوارها بهبود یابد. مشارکت فعال زنان در تشکل‌ها و شبکه‌های اجتماعی مرتبط با امنیت غذایی باعث ایجاد زمینه مبادله تجربیات مفید می‌شود و توانمندی آنان در این زمینه را بهبود می‌بخشد.

- یافته‌های تحقیق نشان داد توانمندی روان‌شناختی زنان باعث بهبود نقش آن‌ها در امنیت غذایی در خانوارهای روستایی می‌شود. این توانمندی در ادراک فرد از قدرت کنترل شخصی، برخورد فعالانه با مسائل جاری زندگی، داشتن تفکر انتقادی از محیط اجتماعی-اقتصادی و

درک قدرت و توانمندی‌های خود در محیط اجتماعی و سازمانی تجسم پیدا می‌کند [۳۷؛ ۴۵؛ ۵۳؛ ۷۹]. بر این اساس، سازوکارهای متنوعی برای ارتقاء توانمندی‌های روان‌شناختی زنان ارائه شده که می‌توان به مشارکت در ایجاد گروه‌های همیار و فعالیت در آن [۴۴]، بهبود شرایط اجتماعی- فرهنگی برای زنان به‌نحوی که قدرت انتخاب بیشتری پیدا کنند [۴۵] و ارائه انواع آموزش‌ها [۵۲] اشاره کرد. بنابراین، پیشنهاد می‌شود با بهبود فرصت‌های آموزشی و مشارکت اجتماعی برای زنان روستایی از طریق تدوین و اجرای برنامه‌های مناسب در حیطه‌های اقتصادی (زراعی و غیرزراعی)، مهارت‌های زندگی، خانه‌داری، ارتباطات اجتماعی، خلاقیت، کارآفرینی، خودباوری و نظایر آن علاوه بر ارتقاء توانمندی روان‌شناختی زنان، شرایط محیطی لازم برای توسعه نقش‌آفرینی آنان در امنیت غذایی را فراهم کرد. در کنار آموزش، بهبود نقش زنان در فعالیت‌های اجتماعی از مدیریت روستا گرفته تا مناسبت‌های فرهنگی به بهبود وضعیت و توانمندسازی آنان، احیای روحیه آفرینش و نوآوری، افزایش کیفیت و بهره‌وری بیشتر فعالیت‌ها آنان، به‌ویژه در زمینه امنیت غذایی، منجر خواهد شد.

تشکر و قدردانی

این پژوهش با اعتبارات تأمین‌شده از سوی معاونت پژوهشی دانشگاه تهران به اجرا درآمده است که محققان بر خود لازم می‌دانند از این سازمان تشکر و قدردانی کنند.

منابع

- [۱] اعظمی، موسی؛ هاشمی امین، ناهید؛ سروش مهر، هما (۱۳۹۶). «سنجش ناامنی غذایی خانوارهای روستایی و عوامل مؤثر بر آن در استان خوزستان: مطالعه موردی دهستان بستان»، روستا و توسعه، س ۲۰، ش ۴، ص ۷۳-۹۴.
- [۲] افشار، افشین؛ پورقادری، مونا؛ حکیم، سیده سارا؛ صفری، علی‌اکبر؛ براتی، حجت‌الله (۱۳۹۷). «بررسی سریع ناامنی غذایی در خانوارهای ساکن شهر کرج»، دانشگاه علوم پزشکی قزوین، س ۲۲، ش ۲، ص ۷۵.
- [۳] امینی، مظفر و احمدی، محمدعلی (۱۳۸۸). «خوداتکایی اقتصادی زنان روستایی و تبیین عوامل اقتصادی مؤثر بر آن (مطالعه موردی در دو منطقه جلگه‌ای و کویری مرکز استان اصفهان)»، فصل‌نامه پژوهش زنان، ش ۴، ص ۲۹-۷.
- [۴] انستیتو تحقیقات تغذیه‌ای و صنایع غذایی کشور (۱۳۷۰-۱۳۷۴). طرح جامع مطالعات مصرف مواد غذایی و تغذیه انستیتو.
- [۵] بوذرجمهری؛ خدیجه، شایان، حمید؛ صادقی، فخری (۱۳۸۹). «تبیین مشارکت زنان روستایی در فعالیت‌های کشاورزی (مطالعه موردی: دهستان‌های بناجوی شرقی و شمالی شهرستان بناب آذربایجان شرقی)»، مطالعات جغرافیایی مناطق خشک، س اول، ش اول، صص ۶۹-۸۶.
- [۶] پاکروان، محمدرضا؛ حسینی، صفدر؛ سلامی، حبیب‌الله؛ یزدانی، سعید (۱۳۹۴). «شناسایی عوامل

- مؤثر بر امنیت غذایی خانوارهای شهری و روستایی ایران»، *تحقیقات اقتصاد و توسعه کشاورزی*، دوره ۴۶، ش ۳، ص ۳۹۵-۴۰۸.
- [۷] پیاب، م؛ درستی مطلق، ا؛ اشراقیان، م؛ سیاسی، ف؛ کریمی، ت (۱۳۸۹). «رابطه ناامنی غذایی با برخی عوامل اجتماعی-اقتصادی و تغذیه‌ای در مادران دارای کودک دبستانی شهرستان ری»، *علوم تغذیه و صنایع غذایی ایران*، س ۷، ش اول، ص ۷۵-۸۴.
- [۸] تنهایی، مریم؛ زارع، ابراهیم؛ شیرانی بیدآبادی، فرهاد؛ جولایی، رامتین (۱۳۹۴). «بررسی وضعیت امنیت غذایی با استفاده از شاخص تنوع غذایی: مطالعه موردی مناطق روستایی شهرستان مرودشت»، *استان فارس، روستا و توسعه*، س ۴، ش ۱۸، ص ۱۷-۳۵.
- [۹] جمینی، داوود؛ امینی، عباس؛ قادرمرزی، حامد؛ توکلی، جعفر (۱۳۹۶). «سنجش امنیت غذایی و آکاوای چالش‌های آن در مناطق روستایی (مطالعه موردی: دهستان بدر، شهرستان راونسر)»، *برنامه‌ریزی منطقه‌ای*، ش ۲۷.
- [۱۰] چراغی، مهدی؛ قدری معصوم، مجتبی؛ رضوانی، محمد (۱۳۹۴). «نقش درآمدهای غیرکشاورزی در امنیت غذایی خانوارهای روستایی»، *تکنولوژی غذا و تغذیه*، د ۱۳، ش ۴.
- [۱۱] درویش‌پور، کریم؛ رحمان‌پور، حسین؛ درویش‌پور، رحیم؛ درویش‌پور، علی‌محمد (۱۳۹۳). «نقش زنان روستایی در توسعه امنیت و پایداری مواد غذایی، اولین همایش ملی زن و توسعه پایدار روستایی».
- [۱۲] دماری، بهزاد (۱۳۹۵). «گزارش نهایی طرح بررسی، تحلیل و تدوین سند ملی تغذیه و امنیت غذایی کشور» (طی سال‌های ۱۳۹۱ لغایت ۱۳۹۴)، قم: اندیشه ماندگار.
- [۱۳] روشن‌نیا، داوود؛ خادمی، رقیه؛ کردی، لیل؛ صلحی فام اصل، ژیللا (۱۳۹۴). «بررسی نقش زنان روستایی در توسعه و موانع و محدودیت‌های آن»، *ماهنامه اجتماعی، اقتصادی، علمی و فرهنگی کار و جامعه*، ش ۱۹۰، ایران، ص ۸۲-۹۸.
- [۱۴] سبکیار فرجی، حسنعلی؛ خاکی، اشین؛ نعمتی، مرتضی (۱۳۸۳). «ارزیابی نقش ICT در توانمندسازی زنان روستایی: مطالعه موردی روستای قرن‌آباد». *انجمن جغرافیایی ایران*، س ۷، ش ۲۲، ص ۱۲۶.
- [۱۵] شاه‌رخ‌سار، صالح؛ نوری‌پور، مهدی (۱۳۹۴). «بررسی وضعیت شاخص‌های کیفیت زندگی در مراکز دهستان‌های شهرستان جیرفت»، *اقتصاد فضا و توسعه روستایی*، ش ۴، ص ۱۲.
- [۱۶] شاه‌رودی، ع؛ چیذری، م و توسلی، ب (۱۳۸۵). «تأثیر دانش بومی زنان روستایی بر توسعه پایدار کشاورزی»، *ماهنامه جهاد*، س ۲۶، ش ۲۴۰، ص ۱۳۸-۱۵۰.
- [۱۷] صمدیان، فرزانه (۱۳۹۴). «واکاوای امنیت غذایی در سطح خانوار از منظر مصرف (در سطح گروه‌های مختلف دهک هزینه‌ای در مناطق شهری و روستایی)»، *مؤسسه تحقیقاتی تدبیر اقتصاد*، تهران.
- [۱۸] ضیایی، سیده محدثه؛ شیرانی بیدآبادی، فرهاد؛ اشراقی، فرشید (۱۳۹۴). «عوامل مؤثر بر ناامنی غذایی مناطق روستایی شهرستان گرگان»، *پژوهش‌های اقتصاد روستا*، س اول، ش ۲، ص ۱۰.
- [۱۹] علوی، سمیه؛ امامی، محمد؛ قهدریجانی، محمد؛ تاج‌الدینی، هادی (۱۳۹۱). «اشتغال زنان روستایی و تأثیر آن بر امنیت غذایی»، *دومین سمینار ملی امنیت غذایی دانشگاه آزاد اسلامی واحد سوادکوه*.

- [۲۰] قنبری، یوسف؛ حجاریان، احمد؛ انصاری، رحیمه؛ کیانی، فاطمه (۱۳۹۳). «شناسایی عوامل و موانع مشارکت زنان روستایی در فعالیتهای کشاورزی (مطالعه موردی: شهرستان فریدون شهر)»، پژوهش و برنامه‌ریزی روستایی، ش ۲، ص ۷۱-۸۷.
- [۲۱] گودرزی، فریدون؛ شادی‌طلب، ژاله؛ طالب، مهدی (۱۳۸۷). «عوامل مؤثر بر امنیت غذایی در جامعه روستایی (مطالعه موردی دهستان پیر شهرستان خرم‌آباد)»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، توسعه روستایی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، ایران، ص ۱۰۱-۱۳۵.
- [۲۲] مرکز آمار ایران (۱۳۹۱). «اطلاعات هزینه و درآمد خانوارهای روستایی و شهری ایران سال ۱۳۸۸». قابل دسترسی در: <http://sanameh.Sci.org.ir/Alluser/DirectoryTreeComplete.aspx>.
- [۲۳] مهربانی بشرآبادی، حسین؛ اوحدی، عبدالحسین (۱۳۹۳). «بررسی عوامل مؤثر بر امنیت غذایی در ایران»، اقتصاد کشاورزی، ص ۱۱۱-۱۲۱.
- [۲۴] میرزائیان، بتول؛ رحمانی، بیژن؛ رضویان، محمدتقی؛ فرجی‌راد، عبدالرضا (۱۳۹۷). «تحلیل اثربخشی مؤلفه‌های اقتصادی در رفاه خانوارهای روستایی مورد: بخش مرکزی شهرستان اسلام‌آباد غرب»، اقتصاد فضا و توسعه روستایی، د ۷، ش ۲۳.
- [۲۵] میرک‌زاده، علی‌اصغر؛ علی‌آبادی، وحید؛ شمس، علی (۱۳۸۹). «واکاوی موانع مشارکت زنان روستایی در برنامه‌های آموزشی و ترویجی»، فصل‌نامه روستا و توسعه، س ۱۳، ش ۲.
- [۲۶] نادری مهدبی، کریم؛ جلیلیان، سارا (۱۳۹۵). «واکاوی ناامنی غذایی و برخی عوامل مؤثر بر آن در زنان روستایی سرپرست خانوار شهرستان اسلام‌آباد غرب»، پژوهش و برنامه‌ریزی روستایی، س ۵، ش ۲، ص ۳۰-۴۵.
- [۲۷] ندیمی، نغمه؛ نصایبان، شهریار؛ دقیقی اصل، علیرضا (۱۳۹۰). «بررسی امنیت غذایی در ایران و عوامل مؤثر بر آن»، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد توسعه اقتصاد و برنامه‌ریزی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، دانشکده اقتصاد و حسابداری.
- [۲۸] نوروزی، نیکی؛ مقدسی، رضا؛ شمس‌الدینی، سولماز (۱۳۹۲). «بررسی فقر و ناامنی غذایی و عوامل مؤثر بر آن در خانوارهای روستایی استان خوزستان»، اولین همایش ملی چشم‌انداز اقتصاد ایران.
- [۲۹] هاشمی‌تبار، محمود؛ اکبری، احمد؛ درینی، مهسا (۱۳۹۷). «تحلیل عوامل مؤثر بر امنیت غذایی در نواحی روستایی جنوب استان کرمان»، اقتصاد فضا و توسعه روستایی، س ۷، ش ۲، ص ۱۸-۱.
- [۳۰] یوسفی، مریم؛ رحمدل، مهدی (۱۳۹۵). «نقش زنان روستایی در تأمین امنیت غذایی»، نخستین کنگره ملی زنان موفق ایران.

- [31] Abebaw, D., Fentie, Y., Kassa, B. (2010). "The impact of food security program on household food consumption in Northwestern Ethiopia: a matching estimator approach". *Journal of food policy*, 35, PP 286-293.
- [32] Alaimo, K. Olson, C. M., Frongillo, E. A. (2001). "Low family income and food insufficiency in relation to overweight in US children: is there a paradox?" *Arch Pediatr Adolesc Med*, 155: PP 1161-1167.
- [33] Anriquez, G., Daidone, S., & Mane, E., (2013). "Rising food prices and undernourishment: A cross-country inquiry", *Food Policy* 38, PP190-202.

- [34] Bagheri, S.A., Zamani, A., Vakili, M., & Shenavar, R. (1391/2012). "Food Security". *Journal of Social Workers*, 21(1), PP28-33. (In Persian).
- [35] Bala, B.K. Alias, E.F. Arshad, F.M, Noh K.M. and Hadi, A.H.A. (2014). "Modelling of food security in Malaysia", *Simulation Modelling Practice and Theory* 47, PP 152-164.
- [36] Bernstein, M. (2010). "Fair Trade Cooperatives and Women's Empowerment: Impacts for US Policy on Food Security". Paper presented at the Annual Meeting of the Southern Political Science Association, New Orleans, January 6-8, PP 1- 22.
- [37] Dauda, R. O. S. (2010). "Women's status, household food security and coping strategies in Nigeria: a survey based analysis".
- [38] De Schutter, O. (2013). "Gender equality and food security: Women's empowerment as a tool against hunger, Asian Development Bank".
- [39] Doppler, W. (2002). "Farming and Rural Systems Approaches". *Published Lecture Material*, Hohenheim, PP: 12.
- [40] Ecker, O. (2012). "Agricultural growth is good, but is not enough to improve nutrition", *International Food Policy Research Institute*, Secure Nutrition Seminar, World Bank, June.
- [41] FAO, IFAD, UNICEF, WFP and WHO. (2019). *the State of Food Security and Nutrition in the World 2019. Safeguarding against economic slowdowns and downturns*. Rome, FAO.
- [42] FAO. (2014). "Report on use of the Household Food Insecurity Access Scale and Household Dietary Score in Two Survey Rounds in Manica and Sofala Province", Mozambique, 2006-2007.
- [43] FAO. (2018). "Global Report on Food Crisis", Food Security Information Network, Available at: <http://www.fao.org/resilience/resources/resources-detail/en/c/1187704/>.
- [44] Ferotafar, L. (2013). "The analysis of Food security situation and its Factors affecting in rural householders in Baladarband districts", master thesis, Supervisor: K. Zarafshani, agricultural faculty, Department of Agricultural Extension and Education, Razi University of Kermanshah. (In Persian).
- [45] Francina, P. X., & Joseph, M. V. (2013). Women empowerment: The psychological dimension. *Rajagiri Journal of Social Development*, 5(2), PP 61-74.
- [46] Gangadharappa, H.V, Pramod, K. T. M. Shiva, K. H. G. (2007). "Gastric floating drug delivery systems: a review". *Indian J. Pharm. Ed. Res.* 41, PP 295-305.
- [47] Gensch, R. (2008). "Productive sanitation: Increasing food security by reusing tread exceta and grey water in agriculture". *Urban, Agricultur magazine* No.20.
- [48] Gustafson, D.J. (2013). "Rising food costs and global food security: Key issue and relevance for India". *Indian Journal of Medical Research*, 138, PP 398-410.
- [49] Heflin, C. M. Siefert, K. Williams, D. R. (2005). "Food Insufficiency and Women's Mental Health: Findings from a 3-Year Panel of Welfare Recipients". *Social Science and Medicine* 61, PP 1971-1982.48.
- [50] Krejcie, R.V., & Morgan, D.W. (1970). "Determining sample size for research

- activities". *Educational and psychological measurement*, 30(3), PP 607-610.
- [51] Malapit, H. J. L., & Quisumbing, A. R. (2015). "What dimensions of women's empowerment in agriculture matter for nutrition in Ghana?" *Food Policy*, 52, PP 54-63.
- [52] Medel-Anonuevo, C. (1995). *Women, Education and Empowerment: Pathways towards Autonomy, UIE Studies 5*.
- [53] Menon, S. T. (1999). Psychological empowerment: Definition, measurement, and validation. *Journal of Behavioural Science*, 161.
- [54] Mousseau, F. Institute, O. (2009). "Impact of market access on food security – application of food factor analysis". *Pakistan journal of social Sciences (pjss)*, 2, PP 4-11.
- [55] Mssrf, M.S. (2004). "Swaminathan Research Foundation, Centre for Research on Sustainable Agricultural and Rural Development", World Food Programme. Atlas of the Sustainability of Food Security in India, Pp. 294. http://openlibrary.org/b/OL3333082M/Atlas_of_the_sustainability_of_food_security_in_India (accessed 25.09.09).
- [56] Najibi, N., Dorosty Motlagh, AR., Sadrzadeh Yeganeh, H., Eshraghian, M R., Daneshi, M. and Azizi, S. (2013). "Food Insecurity status and some associated socio-economic factors among newly diagnosed patients with type2 diabetes in Shiraz". *Journal of Arak University of Medical Sciences*, 1, PP 98-106. (In Persian).55.
- [57] Nord, M. and Coleman-Jensen, A., (2010). "Food Security in the United States: Definitions of Hunger and Food Security. U.S. Department of Agriculture", *Economic Research Service*. Available at www.ers.usda.gov/.
- [58] Nord, M., M. Andrews, and S. Carlson. (2004). "Household Food Security in the United States", Food Assistance and Nutrition Research Report Number 42. United States Department of Agriculture, Economic Research Service, PP 124- 143.
- [59] Ojeleye, O.A., Adabisi, O.A., Fadiji,T.O. (2014). "Assessment of Farm Household Food Security and Consumption Indices in Nigeria", *Journal homepage: http://aessweb.com/*.
- [60] Olumakaiye, M. F., & Ajayi, A. O. (2006). "Women's empowerment for household food security: The place of education". *Journal of Human Ecology*, 19(1), PP 51-55.
- [61] Pimental, D. (2007). "Area- Wide Pest Management", *Environmental, Economic, and Food*, 3, PP 35-47.
- [62] Rostami, F, Shahmoradi, M. and Baghaei, S. (2015). "Factors affecting on rural households food security (Case study: Karnachy Village in kermanshah County)", *Iranian Journal of Agricultural Economics and Development Research* , 4, PP 725-737. (In Persian).
- [63] Saadi, H. Azizi, M. and Azami, M. (2014). "Extension Education and Food security of Farmer households (Case study: Qorveh county, Kurdistan Province)", *Iranian Journal of Agricultural Economics and Development Research*, 3, PP 483-499. (In Persian).
- [64] Saadi,H. and Vahdat Moaddab, H. (2014). "Assessment of female-headed

- households food security and the affecting factors: Case Study: Women in Razan City". *Journal Women in Development and Politics*, 3, PP 411-426. (In Persian).
- [65] Safarpour, M., Dorosty Motlagh, A., Hosseini, S. M., Ranjbar Noshari, F., Safarpour, M., Daneshi, Maskooni, M., Azizi, S., & Kashani, A. (2011). "Prevalence and outcomes of food insecurity and its relationship with some socioeconomic factors". *Journal of Knowledge and Health*, 4, PP 193-198. (In Persian).
- [66] Salimian, S. (2007). "Population growth", the environment and food supply.
- [67] Savari, M., ShabanAli Fami, H. and Ameri, J. (2015). "Food security and the factors affecting it's in the rural community of Dianah Valley". *Journal of Rural Research*, 2, PP 311-332. (In Persian).
- [68] See, L. Fritz, S. You, L. Ramamkuty, N. Herrero, M. (2015). "Improved Global cropland data as an essential ingredient for food security", *Global Food Security*, 4, PP 37-45.
- [69] Sen, A. (2007). Population and reasoned agency: population growth and food security. *Development*, 50(1), PP 98-102.
- [70] Sharafkhani, R., Dastgiri, S., Ghareaghiasl, R. & Ghavamzadeh, S. (2011). "Prevalence and determinants of household food insecurity: a cross-sectional study (Sou Village, city of Khoy -1388) . " *Urmia Medical Journal*, 2, PP 128-123.
- [71] Sharaunga, S., Mudhara, M., & Bogale, A. (2016). "Effects of 'women empowerment' on household food security in rural KwaZulu-Natal province". *Development Policy Review*, 34(2), PP 223-252.
- [72] Shook, C. L. Ketchen, D. J. Jr. Hult, G. T. M. Kacmar, K.M. (2004). "An assessment of the use of structural equation models in strategic management research". *Strategic Management Journal*, 25, PP 397-404.
- [73] Sinyolo, S., Mudhara, M., and Wale, E. (2014). "Water security and rural household food security: empirical evidence from the Mzinyathi district in South Africa", *Food Sec*, 6, PP 483-499.
- [74] Siyoum, A.D. (2012). "Broken Promises Food Security Interventions and Rural Livelihoods in Ethiopia", Phd thesis, Wageningen University.
- [75] Sraboni, E., Malapit, H. J., Quisumbing, A. R., & Ahmed, A. U. (2014). "Women's empowerment in agriculture: What role for food security in Bangladesh?" . *World Development*, 61, PP 11-52.
- [76] USDA Food Security Module. (2008). "Guide to Measuring Household Food Security". Available at: http://www.sciencedirect.com/science?_ob=RedirctURLmetod=externalObjLink&_locar=url&_cd=3021&_plsSign=2B&_targetURL=http%253A%252F%252Fwww.ers.usda.gov%252FBriefing%252FFoodSecurity%252F (Accessed June 15, PP 37 - 44).
- [77] World Bank .(2014). "World development indicators database". Accessed June 6, 2014: <http://data.worldbank.org/>.
- [78] World Bank. (1986). "Managing Agricultural Production Risk".
- [79] Zimmerman, Marc A. (1995). "Psychological empowerment: Issues and illustrations". *American Journal of Community Psychology* 23(5): PP 581-599.